فهرست

ترجمهٔ فعل

قسمت ۱: کادرهای آموزشی	۶
قسمت ۲: تمارین کتاب درسی	۲۱
قسمت ۳: سؤالات امتحانی ترکیبی	۲۶

ترجمه و درک مطلب

درس اول	
بستهٔ ۱: متن درس	۳۰
بستهٔ ۲: اِعلموا	۳۳
بستهٔ ۳: تمارین	۳۸
درس دوم	
بستهٔ ۱: متن درس	۴۴
بستهٔ ۲: اِعلموا	۵۱
بستهٔ ۳: تمارین	۵۴
درس سوم	
بستهٔ ۱: متن درس	۶۰
بستهٔ ۲: اِعلموا	۶۷
بستهٔ ۳: تمارین	۷۰
درس چهارم	
بستهٔ ۱: متن درس	۷۴
بستهٔ ۲: اِعلموا	۸۲
بستهٔ ۳: تمارین	۸۴
درس پنجم	
بستهٔ ۱: متن درس	۹۲
بستهٔ ۲: اِعلموا	۹۴
بستهٔ ۳: تمارین	۹۶

واژگان

درس اول	
بستهٔ ۱: معنی کلمات	۱۰۰
بستهٔ ۲ و ۳: کلمات مترادف و متضاد	۱۰۵
بستهٔ ۴: جمع مکسّر	۱۰۸
بستهٔ ۵: انواع اسم	۱۰۹
درس دوم	
بستهٔ ۱: معنی کلمات	۱۱۱
بستهٔ ۲ و ۳: کلمات مترادف و متضاد	۱۱۷
بستهٔ ۴: جمع مکسّر	۱۱۹
بستهٔ ۵: انواع اسم	۱۲۱
درس سوم	
بستهٔ ۱: معنی کلمات	۱۲۳
بستهٔ ۲ و ۳: کلمات مترادف و متضاد	۱۲۹
بستهٔ ۴: جمع مکسّر	۱۳۱
بستهٔ ۵: انواع اسم	۱۳۳
درس چهارم	
بستهٔ ۱: معنی کلمات	۱۳۵
بستهٔ ۲ و ۳: کلمات مترادف و متضاد	۱۴۲
بستهٔ ۴: جمع مکسّر	۱۴۴
بستهٔ ۵: انواع اسم	۱۴۶
درس پنجم	
بستهٔ ۱: معنی کلمات	۱۴۸
بستهٔ ۲ و ۳: کلمات مترادف و متضاد	۱۵۲
بستهٔ ۴: جمع مکسّر	۱۵۴
بستهٔ ۵: انواع اسم	۱۵۶

قواعد

درس اول	
بستهٔ ۱: حروف مشبّهة بالفعل	۱۶۰
بستهٔ ۲: «لا»ی نفی جنس	۱۶۷
درس دوم	
بستهٔ ۱: حال (قید حالت)	۱۷۱
بستهٔ ۲: نکات ترجمه	۱۷۵
درس سوم	
بستهٔ ۱: ادات استثناء	۱۷۷
بستهٔ ۲: نکات ترجمه	۱۸۰
درس چهارم	
بستهٔ ۱: مفعول مطلق تأکیدی و نوعی	۱۸۳
بستهٔ ۲: نکات ترجمه	۱۸۶
درس پنجم	
بستهٔ ۱: منادا	۱۸۸

تحلیل صرفی و اعراب

قسمت ۱: تحلیل صرفی	۱۹۴
قسمت ۲: محل اعرابی	۱۹۹
قسمت ۳: سؤالات درس به درس	۲۰۴

پاسخ‌نامهٔ تشریحی

بخش ۱: ترجمهٔ فعل	۲۲۰
بخش ۲: ترجمه و درک مطلب	۲۲۱
بخش ۳: واژگان	۲۳۴
بخش ۴: قواعد	۲۵۵
بخش ۵: تحلیل صرفی و محل اعرابی	۲۶۳

امتحان نهایی

آزمون ۱: شهریور ماه ۱۴۰۰	۲۷۲
آزمون ۲: دی ماه ۱۴۰۰	۲۷۴
آزمون ۳: خرداد ماه ۱۴۰۱	۲۷۶
آزمون ۴: شهریور ماه ۱۴۰۱	۲۷۸
آزمون ۵: دی ماه ۱۴۰۱	۲۸۰
پاسخ‌نامهٔ تشریحی آزمون ۱ تا ۵	۲۸۲

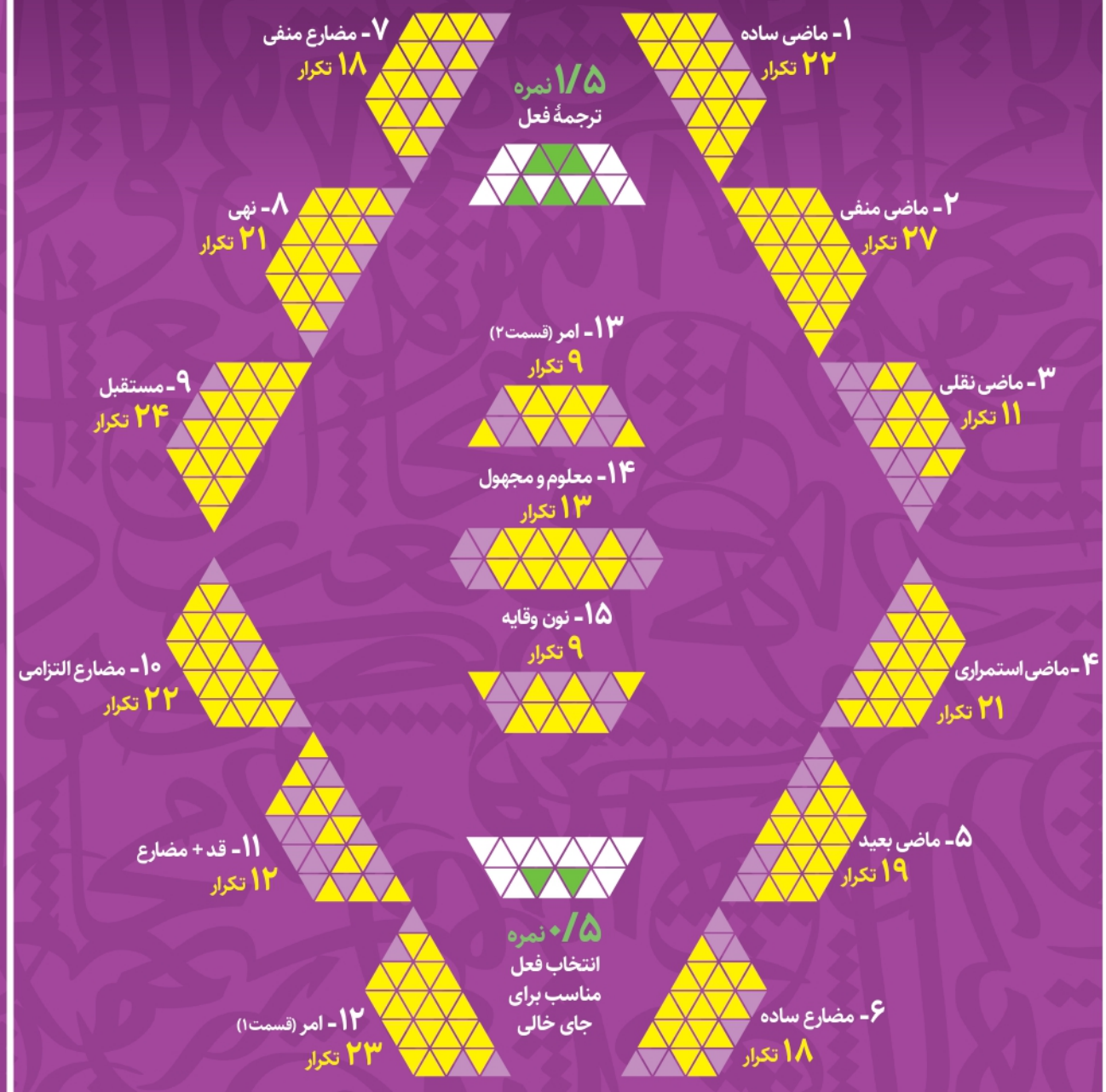
شب امتحان

نوبت اول

نوبت دوم

بخش ۱	بخش ۲	بخش ۳	بخش ۴	بخش ۵
۲ نمره	۱۰ نمره	۴ نمره	۱/۷۵ نمره	۲/۲۵ نمره

ترجمه فعل



قسمت ۱
کادرهای آموزشی

همان‌طور که می‌دانید در بخش بودجه‌بندی امتحانات نهایی عربی شما عزیزان، دو نمره به بخش ترجمهٔ انواع فعل اختصاص یافته است؛ بنابراین باید با انواع آن و ترجمه هریک آشنا شوید.
در این قسمت همهٔ نکات مربوط به ترجمهٔ فعل را در ۱۵ کادر همراه با سؤالات امتحانی آورده‌ایم.

۱ ماضی ساده
۲۲ تکرار

- فعلی است که بر انجام‌دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان گذشته دلالت می‌کند.

کَتَبَ (نوشت)، رَجَعوا (بازگشتند) و ... .

- برای تشخیص فعل ماضی و شناختِ آسان آن بهتر است به شناسه‌هایی که در آخر فعل می‌آید توجّه کنید تا با شناخت آن‌ها فعل را در صیغهٔ مناسب خود، ترجمه کنید، بنابراین به جدول زیر خوب دقت کنید.

فعل ماضی	شناسه	ضمیر	ترجمه
جَلَسْتُ	تُ	أنا (من)	نشستم
جَلَسْتَ	تَ	أنْتَ (تو)	نشستی
جَلَسْتِ	تِ	أنْتِ (تو)	
جَلَسْنا	نا	نَحْنُ (ما)	نشستیم
جَلَسْتُما	تُما	أنْتُما (شما)	نشستید
جَلَسْتُم	تُم	أنْتُم (شما)	
جَلَسْتُنَّ	تُنَّ	أنْتُنَّ (شما)	
جَلَسا	ا	هُما	نشستند
جَلَسَتا	ا	هُما	
جَلَسوا	و	هُم	
جَلَسْنَ	نَ	هُنَّ	

برای ضمیر «هُوَ: او» فعل ماضی بدون شناسه (جَلَسَ: نشست) و برای ضمیر «هِيَ: او» حرف «ت» نشانهٔ مؤنّث بودن فعل است. (جَلَسَتْ: نشست)

ایستگاه سؤال

تَرجِم الأفعالَ التّالیةَ:

۱. قَرَّرَ المُزارِعُ التَّخَلُّصَ مِنْها. (دی ۱۴۰۰)

۲. جَلَسَ (نشست) ← هي جَلَسَتْ هُناكَ. (خرداد ۱۴۰۰)

۳. فَانْزَعَجَ رَسولُ اللّه ﷺ. (شهریور ۹۹ - دی ۹۹)

۴. ساعَدَ (کمک کرد) ← أنا ساعَدْتُ. (شهریور ۹۹)

۵. ولكنَّ النَّبيَّ ﷺ عَرَفَها. (خرداد ۹۹)

۶. ﴿... ماذا خَلَقَ الَّذينَ مِنْ دونِهِ﴾ (خرداد ۹۹)

۷. أَمَرَ أنوشِروانُ أنْ يُعْطىٰ لِلفَلّاحِ ألف دينارٍ. (دی ۹۸)

۸. لاحَظَ أنَّ مَجموعَةً مِنَ فِئرانَ الحَقْلِ تَهْجُمُ عَلَى الخَضْراواتِ. (دی خارج ۱۴۰۰)

۹. فَأخَذوها عِنْدَ النَّبيِّ ﷺ. (دی خارج ۹۹ - دی خارج ۱۴۰۰)

۱۰. اِعْتَذَرَ (پوزش خواست) ← اِعْتَذَرْنا. (دی خارج ۹۹)

۱۱. كاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← كاتَبوا. (دی خارج ۹۹)

۱۲. قَطَعَ (بُرید) ← قَطَعَ يَدَهُ. (شهریور خارج ۹۸)

اِنتَخِب الصَّحيحَ:

۱۳. أَخَذَ الرَّجُلُ يَدَ بِنْتِهِ وَ قَبَّلَها وَ ..... ها عِنْدَه. (اردیبهشت ۱۴۰۲)

۱) جَلَسَ ۲) أَجْلَسَ
۳) أَجْلَسَت ۴) جالَسَ

۱۴. الزُّمَلاءُ ..... في صالَةِ الامْتِحانِ. (شهریور ۱۴۰۱)

۱) حَضَرَ ۲) حَضَرْنَ ۳) حَضَروا

۱۵. قَدْ ..... المُؤمِناتُ رَبَّهُنَّ. (خرداد ۱۴۰۱)

۱) ذَكَرَتْ ۲) ذَكَرَ ۳) ذَكَرْنَ

۱۶. ..... جَميعُ الطُّلّابِ في صالَةِ الامْتِحاناتِ إلّا جواداً. (شهریور ۱۴۰۰)

۱) حَضَرَ ۲) حَضَرَتْ ۳) حَضَروا

۱۷. اَللّاعِبونَ الْايرانيّونَ ..... مِنَ المُسابَقَةِ مُبْتَسِمينَ. (خرداد ۱۴۰۰)

۱) رَجَعوا ۲) رَجَعَ ۳) رَجَعْتُم

۱۸. العُلَماءُ ..... عَلَى جَوائِزِ نوبِل في مَجالاتِ الكِيمياءِ. (دی ۹۹)

۱) حَصَلَتْ ۲) حَصَلوا ۳) حَصَلا

۱۹. المُهَندِسونَ ..... في المَصْنَعِ مُبْتَسِمينَ. (شهریور ۹۸)

○ ۱) وَقَفوا ○ ۲) وَقَفْنَ ○ ۳) وَقَفْنا

۲۰. إنّي ..... مِنَ الْبُوماتِ بِقَتْلِ الْكَثيرِ مِنْها. (دی ۹۷)

○ ۱) تَخَلَّصْتَ ○ ۲) تَخَلَّصْتُ ○ ۳) تَخَلَّصْتِ

۲۱. ..... الطّالِباتُ في الامْتِحانِ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

○ ۱) نَجَحَ ○ ۲) نَجَحْنَ ○ ۳) نَجَحَت

۲۲. إنّا نَحْنُ ..... عَلَيكَ القُرآنَ تَنزيلاً. (دی خارج ۹۹)

○ نَزَّلْتُ ○ ۲) نَزَّلْنا ○ ۳) نَزَّلوا

پاسخ سؤالات

۱. تصمیم گرفت («قَرَّرَ» فعل ماضی صیغهٔ مفرد مذکّر غایب است.)
۲. نشست («جَلَسَتْ» فعل ماضی صیغهٔ مفرد مؤنّث غایب است.)
۳. ناراحت شد («انْزَعَجَ» فعل ماضی صیغهٔ مفرد مذکّر غایب است.)
۴. من کمک کردم («ساعَدْتُ» فعل ماضی صیغهٔ متکلّم وحده است.)
۵. شناخت («عَرَفَ» فعل ماضی صیغهٔ مفرد مذکّر غایب است.)
۶. آفرید («خَلَقَ» فعل ماضی صیغهٔ مفرد مذکّر غایب است.)
۷. دستور داد («أَمَرَ» فعل ماضی صیغهٔ مفرد مذکّر غایب است.)
۸. دید («لاحَظَ» فعل ماضی صیغهٔ مفرد مذکّر غایب است.)
۹. گرفتند («أَخَذوا» فعل ماضی صیغهٔ جمع مذکّر غایب است.)
۱۰. پوزش خواستیم («اعْتَذَرْنا» فعل ماضی صیغهٔ متکلم مع‌الغیر است.)
۱۱. نامه‌نگاری کردند («كاتَبوا» فعل ماضی صیغهٔ جمع مذکّر غایب است.)
۱۲. بُرید («قَطَعَ» فعل ماضی صیغهٔ مفرد مذکّر غایب است.)
۱۳. گزینهٔ «۲»: أَجْلَسَ («الرَّجُلُ» مفرد مذکّر است و فعل نیز در همین صیغه مناسب جای خالی است.) ← ترجمهٔ عبارت: مرد دست دخترش را گرفت و او را بوسید و او را نزد خود نشانید (نشاند).
(دقت کنین دو فعل «جَلَسَ: نشست» و «جالَسَ: هم‌نشینی کرد» از نظر معنایی مناسب نیستن.)
۱۴. گزینهٔ «۳»: حَضَروا («الزُّمَلاء» جمع مذکّر است و فعل در وسط عبارت مطابق با آن جمع مذکّر می‌آید.) ← ترجمهٔ عبارت: هم‌کلاسی‌ها در سالن امتحان حاضر شدند.
۱۵. گزینهٔ «۱»: ذَكَرَتْ («المُؤمِنات» جمع مؤنّث است و نیز فعل غایب در ابتدای جمله مفرد مؤنّث می‌آید.) ← ترجمهٔ عبارت: مؤمنان پروردگارشان را یاد کرده‌اند.
۱۶. گزینهٔ «۱»: حَضَرَ (فعل غایب در ابتدای جمله مفرد می‌آید و «جَمیع» مذکّر است؛ بنابراین مذکّر نیز می‌آید.) ← ترجمهٔ عبارت: همهٔ دانش‌آموزان به‌جز جواد در سالن امتحانات حاضر شدند.
۱۷. گزینهٔ «۱»: رَجَعوا (با توجه به «اللّاعِبونَ» که جمع مذکّر است، فعل نیز در همین صیغه می‌آید.) ← ترجمهٔ عبارت: بازیکنان ایرانی با لبخند از مسابقه بازگشتند.
۱۸. گزینهٔ «۲»: حَصَلوا («العُلَماء» جمع مذکّر است و فعل نیز در همین صیغه می‌آید.) ← ترجمهٔ عبارت: دانشمندان به جوایز نوبل در زمینه‌های شیمی دست یافتند.
۱۹. گزینهٔ «۱»: وَقَفوا («المُهَندِسونَ» جمع مذکّر است و فعل نیز در همین صیغه می‌آید.) ← ترجمهٔ عبارت: مهندسان در کارخانه با لبخند ایستادند.
۲۰. گزینهٔ «۲»: تَخَلَّصْتُ («إنّي» بر متکلّم وحده دلالت دارد؛ بنابراین فعل پس از آن در همین صیغه می‌آید.) ← ترجمهٔ عبارت: به درستی که من با کشتن بسیاری از آن جغدها رها شدم.
۲۱. گزینهٔ «۳»: نَجَحَتْ (فعل غایب اول جمله مفرد می‌آید و «الطّالِبات» مؤنّث است؛ بنابراین فعل مفرد مؤنّث می‌آید.) ← ترجمهٔ عبارت: دانش‌آموزان در امتحان موفّق شدند.
۲۲. گزینهٔ «۲»: با توجّه به «نَحْنُ» فعل ماضی «نَزَّلْنا» صحیح است. ← ترجمهٔ عبارت: به درستی که ما قرآن را بر تو قطعاً نازل کردیم.

۲۷ ماضی منفی تکرار

- فعل ماضی با حرف «ما» منفی می‌شود.

رَجَعَ (بازگشت) —منفی→ ما رَجَعَ (بازنگشت)

ما + ماضی ← ماضی منفی

- فعل مضارع نیز با آمدن حرف «لَم» بر سر آن ماضی منفی ترجمه می‌شود.

لَم + يَذْهَبُ ← لَم يَذْهَبْ (نرفت)

لَم + فعل مضارع ← ماضی منفی

توجه داشته باشید که دو حرف «لَمْ» و «لِمَ» را با هم اشتباه نگیرید، «لَمْ» وقتی قبل از فعل مضارع بیاید معنای آن را به ماضی منفی تبدیل می‌کند، ولی «لِمَ» مخفّف «لِماذا» به معنای «چرا، برای چه» کلمهٔ پرسشی است.

لِمَ تَقولونَ ما لاتَفْعَلونَ؟	چرا می‌گویید آن‌چه را که انجام نمی‌دهید؟
﴿أَ لَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللهَ يَرى﴾	آیا ندانست (ماضی منفی) که خدا می‌بیند؟
لِمَ ما عَمِلْتُم بِواجباتِكُم؟	چرا به تکالیفتان عمل نکردید؟

ایستگاه سؤال

تَرجِم الأَفعالَ التّالِيَةَ:

۱. هُوَ لَم يَرْجِعْ إلى مَصْنَعِهِ. (اردیبهشت ۱۴۰۲)
۲. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← الكَسْلانُ لَم يَتَعَلَّمِ الدَّرْسَ. (دی ۱۴۰۱)
۳. شَجَّعَ (تشویق کرد) ← الوالِدانِ لَمْ يُشَجِّعا الطِّفْلَ. (خرداد ۱۴۰۱)
۴. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَم يُرسِلوا واجباتِهِم. (خرداد ۱۴۰۱)
۵. ذَكَرَ (یاد کرد) ← أَنتُم ما ذَكَرْتُم صَديقَكُم. (شهریور ۱۴۰۰)
۶. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← ما تَذَكَّرْتُم صَديقَكُم. (دی ۱۴۰۰)
۷. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَمْ يَمْتَنِعوا عَنِ الأَكْلِ. (شهریور ۱۴۰۰)
۸. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَمْ نُرْسِلْهُم إلّا مُبَشِّرينَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۹. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لَمْ يَجْتَهِدْ في عَمَلِهِ. (خرداد ۱۴۰۰)
۱۰. أَرْسَلَ (فرستاد) ← ما أَرْسَلَ. (دی ۹۹)
۱۱. اِسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← هي ما اِسْتَغْفَرَتْ. (شهریور ۹۹)

۱۲. الوالِدُ لَمْ يُقَبِّلْ بِنْتَهُ. (شهریور ۹۹ - دی ۹۹ - دی خارج ۹۷)

۱۳. شاهَدَ (دید) ← لَم يُشاهِدْ شَيئاً. (خرداد ۹۹)

۱۴. لَمْ يُصَدِّقوا قولَ الشَّيماء. (خرداد ۹۹)

۱۵. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هي ما اجْتَهَدَتْ. (خرداد ۹۹)

۱۶. هذِهِ الحادَثَةُ لَمْ تُضعِفْ عَزْمَهُ. (دی ۹۸ - دی ۹۷)

۱۷. أَجْلَسَ (نشانید) ← هُم لَم يُجْلِسوا التَّلاميذَ. (دی ۹۸)

۱۸. ماشاهَدْتُ في المَكْتَبَةِ إلّا فاطِمةَ. (دی ۹۷)

○ ۱) مشاهده می‌کردم

○ ۲) مشاهده نکردم

○ ۳) مشاهده نمی‌کنم

۱۹. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← ما تَذَكَّرْتُ صَديقَكَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)

۲۰. عَلَّمَ (یاد داد) ← ما عَلَّمْتُنَّ. (دی خارج ۱۴۰۰)

۲۱. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لَم يَتَكَلَّما. (دی خارج ۱۴۰۰)

۲۲. ساعَدَ (کمک کرد) ← هُم لَم يُساعِدوا. (دی خارج ۱۴۰۰)

۲۳. شَجَّعَ (تشویق کرد) ← لَم يُشَجِّعْنَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۲۴. جالَسَ (همنشینی کرد) ← لَمْ يُجالِسِ الإنْسانَ السَّيِّء. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۲۵. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لَمْ يَتَذَكَّرْ إسْمَهُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۲۶. لَمْ يُصَدِّقِ المُسْلِمونَ قَولَ الشَّيماءِ. (دی خارج ۹۹ - دی خارج ۱۴۰۰)

۲۷. اِسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← لَمْ يَسْتَغْفِرْ. (دی خارج ۹۹)

پاسخ سؤالات

۱. برنگشت (لَم + يَرْجِعُ ← لَمْ يَرْجِعْ (ماضی منفی))

۲. فرا نگرفت (لَمْ + يَتَعَلَّمُ ← لَمْ يَتَعَلَّمْ (ماضی منفی))

۳. تشویق نکردند (لَمْ + يُشَجِّعانِ ← لَمْ يُشَجِّعا (ماضی منفی))

۴. نفرستادند (لَمْ + يُرسِلونَ ← لَمْ يُرسِلوا (ماضی منفی))

۵. یاد نکردید (ما + ذَكَرْتُم ← ما ذَكَرْتُم (ماضی منفی))

۶. به یاد نیاوردید (ما + تَذَكَّرْتُم ← ما تَذَكَّرْتُم (ماضی منفی))

۷. خودداری نکردند (لَمْ + يَمْتَنِعونَ ← لَمْ يَمْتَنِعوا (ماضی منفی))

۸. نفرستادیم (لَمْ + نُرْسِلُ ← لَمْ نُرْسِلْ (ماضی منفی))

۹. تلاش نکرد (لَمْ + يَجْتَهِدُ ← لَمْ يَجْتَهِدْ (ماضی منفی))

۱۰. نفرستاد (ما + أَرسَلَ ← ما أَرْسَلَ (ماضی منفی))

۱۱. آمرزش نخواست (ما + اِسْتَغْفَرَتْ ← ما اِسْتَغْفَرَتْ (ماضی منفی))

۱۲. نبوسید (لَمْ + يُقَبِّلُ ← لَمْ يُقَبِّلْ (ماضی منفی))

۱۳. ندید، مشاهده نکرد (لَم + يُشاهِدُ ← لَمْ يُشاهِدْ (ماضی منفی))

۱۴. باور نکردند (لَمْ + يُصَدِّقونَ ← لَمْ يُصَدِّقوا (ماضی منفی))

۱۵. تلاش نکرد (ما + اجْتَهَدَتْ ← ما اجْتَهَدَتْ (ماضی منفی))

۱۶. ضعیف نکرد (لَمْ + تُضعِفُ ← لَمْ تُضعِفْ (ماضی منفی))

۱۷. ننشاندند (لَمْ + يُجْلِسونَ ← لَمْ يُجْلِسوا (ماضی منفی))

۱۸. گزینهٔ «۲»: مشاهده نکردم (ما + شاهَدْتُ ← ما شاهَدْتُ (ماضی منفی))

۱۹. به یاد نیاوردم (ما + تَذَكَّرْتُ ← ما تَذَكَّرْتُ (ماضی منفی))

۲۰. یاد ندادید (ما + عَلَّمْتُنَّ ← ما عَلَّمْتُنَّ (ماضی منفی))

۲۱. سخن نگفتند (لَمْ + يَتَكَلَّمانِ ← لَمْ يَتَكَلَّما (ماضی منفی))

۲۲. کمک نکردند (لَمْ + يُساعِدونَ ← لَمْ يُساعِدوا (ماضی منفی))

۲۳. تشویق نکردند (لَمْ + يُشَجِّعْنَ ← لَمْ يُشَجِّعْنَ (ماضی منفی))

۲۴. همنشینی نکرد (لَمْ + يُجالِسُ ← لَمْ يُجالِسْ (ماضی منفی))

۲۵. به یاد نیاورد (لَمْ + يَتَذَكَّرُ ← لَمْ يَتَذَكَّرْ (ماضی منفی))

۲۶. باور نکردند (با توجه به «المُسْلِمون» جمع ترجمه می‌کنیم.) (لَمْ + يُصَدِّقُ ← لَمْ يُصَدِّقْ (ماضی منفی))

۲۷. آمرزش نخواست (لَمْ + يَسْتَغْفِرُ ← لَمْ يَسْتَغْفِرْ (ماضی منفی))

۳ ماضی نقلی = ۱۱ تکرار

- به فعلی گفته می‌شود که در زمان گذشته آغاز شده و اثر آن تا زمان حال باقی مانده است.
- برای ساخت فعل ماضی نقلی از فرمولی استفاده می‌کنیم که در آن کلمهٔ «قَد» به ابتدای فعل ماضی اضافه می‌شود.

قَد + ذَهَبَ (ماضی نقلی) ← قَد ذَهَبَ

قَد + ماضی ← ماضی نقلی

- فعل ماضی نقلی با فرمول «ماضی ساده + ـه + شناسه (اَم، ای، است، ایم، اید، اند) ترجمه می‌شود.

قَد عَلِمَ ← دانسته است / قَد عَلِمْتُ ← دانسته‌ام

فعل ماضی نقلی منفی با آمدن حرف «لَم» بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود.

(پس یادتون باشه ترکیب «لَم + فعل مضارع» می‌تونه هم ماضی منفی ترجمه بشه و هم ماضی نقلی منفی)

لَم يَعْلَموا (ترجمه) ← ۱) ندانستند (ماضی منفی) / ۲) ندانسته‌اند (ماضی نقلی منفی)

ایستگاه سؤال

تَرجِم الأَفعالَ التّالِيَةَ:

۱. غَفَرَ (آمرزید) ← قَد غَفَرَ اللّٰهُ عَبْدَه. (آذر ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۰)

۲. فَقَدْ بَنى مُؤَسَّسَةً. (دی ۹۹)

۳. اِسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← أنتُم قَد اسْتَغْفَرتُم. (شهریور ۹۹)

۴. عَلَّمَ (یاد داد) ← قَد عَلَّمْتَ. (دی خارج ۹۹)

۵. عامَلَ (رفتار کرد) ← قَدْ عامَلْتَ جَيِّداً. (دی ۹۸)

۶. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← إنَّنا قَد تَكَلَّمْنا مَعَ الطَّبيبِ عَن مَرَضِهِ. (خرداد ۹۸)

۷. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← قَد تَذَكَّرْتَ. (خرداد خارج ۹۸)

۸. أَرْسَلَ (فرستاد) ← قَد أَرْسَلَ. (خرداد خارج ۹۹)

۹. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← قَد اِمْتَنَعَتْ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۱۰. عَمِلَ (عمل کرد) ← قَد عَمِلْتُ. (دی خارج ۱۴۰۰)

۱۱. أَرْسَلَ (فرستاد) ← هُوَ قَد أَرْسَلَ الخَبَرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

۱. آمرزیده است (قَد + غَفَرَ ← ماضی نقلی)
۲. ساخته است (قَد + بَنی (فعل ماضی) ← ماضی نقلی)
۳. آمرزش خواسته‌اید (قَد + اسْتَغْفَرْتُم ← ماضی نقلی)
۴. یاد داده‌ای (قَد + عَلَّمْتَ ← ماضی نقلی)
۵. رفتار کرده‌ای (قَد + عامَلْتَ ← ماضی نقلی)
۶. سخن گفته‌ایم (قَد + تَکَلَّمْنا ← ماضی نقلی)
۷. به یاد آورده‌ای (قَد + تَذَکَّرْتَ ← ماضی نقلی)
۸. فرستاده است (قَد + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)
۹. خودداری کرده است (قَد + اِمْتَنَعَتْ ← ماضی نقلی)
۱۰. عمل کرده‌ام (قَد + عَمِلْتُ ← ماضی نقلی)
۱۱. فرستاده است (قَد + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)

ماضی استمراری ۲۱ تکرار

- به فعلی گفته می‌شود که در گذشته چند بار تکرار شده است.
  - می‌نوشتم، می‌آمدند، می‌خوردید و ... .
- فعل ماضی استمراری با اضافه کردن صیغه‌های ماضی فعل «کانَ» به قبل از صیغه‌های فعل مضارع ساخته می‌شود.
  - کانَ + یَجْلِسُ ← کانَ یَجْلِسُ

کانَ + فعل مضارع ← ماضی استمراری

- فعل ماضی استمراری با فرمول «می + ماضی ساده» ترجمه می‌شود.
  - کانَ یَعْلَمُ (ترجمه) می‌دانست
- به شکل‌های مختلف فعل «کانَ» به همراه فعل مضارع و ترجمهٔ آن‌ها در جدول بعد دقت کنید.

شکل‌های «کانَ»		فعل مضارع	ترجمه
۱. کانَ ۲. کانَتْ	+	یَذْهَبُ تَذْهَبُ	می‌رفت
۳. کانا ۴. کانَتا	+	یَذْهَبانِ تَذْهَبانِ	می‌رفتند
۵. کانوا ۶. کُنَّ	+	یَذْهَبونَ یَذْهَبْنَ	
۷. کُنْتَ ۸. کُنْتِ	+	تَذْهَبُ تَذْهَبینَ	می‌رفتی
۹. کُنْتُما	+	تَذْهَبانِ	می‌رفتید
۱۰. کُنْتُم ۱۱. کُنْتُنَّ	+	تَذْهَبونَ تَذْهَبْنَ	
۱۲. کُنْتُ	+	أَذْهَبُ	می‌رفتم
۱۳. کُنّا	+	نَذْهَبُ	می‌رفتیم

- فعل ماضی در ساختار «لَیْتَ + فعل ماضی» نیز، ماضی استمراری ترجمه می‌شود.
  - لَیتَ مُحَمَّداً نَصَرَ صَدیقَه. ← کاش محمد دوستش را یاری می‌کرد.

(البته در ساختار «لَیتَ + فعل ماضی» فعل ماضی، ماضی بعید هم ترجمه می‌شه تو کادر بعدی براتون توضیح دادم پس هر دوتاش درسته.)

- فعل مضارع در ساختار «فعل ماضی + (اسم نکره / اسم معرفه) + فعل مضارع» نیز به‌صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.
  - شاهَدْتُ طِفلاً یَلْعَبُ. ← کودکی را دیدم که بازی می‌کرد.
    (ماضی + نکره + مضارع)
  - شاهَدْتُ الطِّفلَ یَلْعَبُ. ← کودک را دیدم درحالی‌که بازی می‌کرد.
    (ماضی + معرفه + مضارع)

ایستگاه سؤال

تَرجِم الأَفعالَ التّالیةَ:

۱. تَذَکَّرَ (به یاد آورد) ← الجَدَّةُ کانَتْ لا تَتَذَکَّرُ وَلَدَها. (شهریور ۱۴۰۱)
۲. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← الطّالِبُ کانَ یَمْتَنِعُ عَنِ النَّوم. (خرداد ۱۴۰۱)
۳. قَطَعَ (بُرید) ← کانا یَقْطَعانِ الأَشْجارَ. (شهریور ۱۴۰۰ – دی خارج ۱۴۰۰)
۴. جَلَسَ (نشست) ← کانَ یَجْلِسُ عَلَی الأَرضِ. (خرداد ۱۴۰۰)
۵. کانَ یُرَبّي أَنواعَ الطّیور. (دی ۹۹)
۶. عامَلَ (رفتار کرد) ← کانوا یُعامِلونَ جَیّداً. (شهریور ۹۹)
۷. البُوماتُ کانَتْ تَهْجُمُ عَلَی الأَفْراخِ وَ تأکُلُها. (خرداد ۹۹)
۸. وَ هُوَ کانَ یُواصِلُ عَمَلَه دَؤوباً. (دی ۹۸)
۹. أَلْفِرد نوبِل کانَ یَشْعُرُ بِخَیْبَةِ الْأَمَلِ. (دی ۹۷)
۱۰. تَکَلَّمَ (سخن گفت) ← کانوا یَتَکَلَّمونَ بِسُرعَةٍ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۱. عَمِلَ (عمل کرد) ← کُنْتَ تَعْمَلُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۲. عَلِمَ (دانست) ← کُنْتُم تَعْلَمونَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۳. عَلَّمَ (یاد داد) ← کانوا یُعَلِّمونَ العِلْمَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۴. تَذَکَّرَ (به یاد آورد) ← هُوَ کانَ یَتَذَکَّرُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۵. کاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← کانا یُکاتِبانِ. (دی خارج ۹۹)
۱۶. اِجْتَهَد (تلاش کرد) ← کانوا یَجْتَهِدونَ. (خرداد خارج ۹۹)
۱۷. قَطَعَ (برید) ← کانوا یَقْطَعونَ. (شهریور خارج ۹۸)

اِنْتَخِب الصَّحیحَ:

۱۸. ﴿فَهذا یَومُ البَعْثِ وَلکنَّکُم کُنْتُم ..... ﴾ (خرداد ۱۴۰۱ – دی خارج ۹۹)
○ ۱) لا یَعْلَمونَ ○ ۲) لا تَعْلَمونَ ○ ۳) لا تَعْلَمْنَ

۱۹. کانَ الطُّلّابُ ..... إلی کَلامِ أُستاذِهم. (دی ۹۹)
○ ۱) تَسْتَمِعُ ○ ۲) یَسْتَمِعُ ○ ۳) یَسْتَمِعونَ

۲۰. کانَتْ مَجموعةٌ کَبیرةٌ مِنَ الفِئرانِ ..... عَلَی الخَضْراواتِ. (خرداد ۹۸)
○ ۱) تَهْجُمُ ○ ۲) یَهْجُمُ ○ ۳) یَهْجُمَ

۲۱. لَیتَ ناصراً ابتَعَدَ عَنِ الکَسَلِ. (خرداد خارج ۹۸)
○ ۱) دوری کرده است
○ ۲) دوری می‌کرد
○ ۳) دوری خواهد کرد

پاسخ سؤالات

۱. به یاد نمی‌آوَرْد (کانَتْ + لا + فعل مضارع «تَتَذَکَّرُ» ← ماضی استمراری منفی)
۲. خودداری می‌کرد (کانَ + فعل مضارع «یَمْتَنِعُ» ← ماضی استمراری)
۳. می‌بُریدند (کانا + فعل مضارع «یَقْطَعانِ» ← ماضی استمراری)
۴. می‌نشست (کانَ + فعل مضارع «یَجْلِسُ» ← ماضی استمراری)
۵. پرورش می‌داد (کانَ + فعل مضارع «یُرَبّي» ← ماضی استمراری)
۶. رفتار می‌کردند (کانوا + فعل مضارع «یُعامِلونَ» ← ماضی استمراری)
۷. هجوم می‌آوردند (کانَتْ + فعل مضارع «تَهْجُمُ» ← ماضی استمراری / می‌خوردند [کانَتْ] + فعل مضارع «تَأْکُلُ» ← ماضی استمراری)
۸. ادامه می‌داد (کانَ + فعل مضارع «یُواصِلُ» ← ماضی استمراری)
۹. احساس می‌کرد (کانَ + فعل مضارع «یَشْعُرُ» ← ماضی استمراری)
۱۰. سخن می‌گفتند (کانوا + فعل مضارع «یَتَکَلَّمونَ» ← ماضی استمراری)
۱۱. عمل می‌کردی (کُنْتَ + فعل مضارع «تَعْمَلُ» ← ماضی استمراری)
۱۲. می‌دانستید (کُنْتُم + فعل مضارع «تَعْلَمونَ» ← ماضی استمراری)
۱۳. یاد می‌دادند (کانوا + فعل مضارع «یُعَلِّمونَ» ← ماضی استمراری)
۱۴. به یاد می‌آوَرْد (کانَ + فعل مضارع «یَتَذَکَّرُ» ← ماضی استمراری)
۱۵. با یکدیگر نامه‌نگاری می‌کردند (کانا + فعل مضارع «یُکاتِبانِ» ← ماضی استمراری)
۱۶. تلاش می‌کردند (کانوا + فعل مضارع «یَجْتَهِدونَ» ← ماضی استمراری)
۱۷. می‌بُریدند (کانوا + فعل مضارع «یَقْطَعونَ» ← ماضی استمراری)
۱۸. گزینهٔ «۲»: لا تَعْلَمونَ (با توجه به فعل کمکی «کُنْتُم» فعل نیز در صیغهٔ جمع مذکّر مخاطب می‌آید.) ← ترجمهٔ آیهٔ شریفه: پس این روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.
۱۹. گزینهٔ «۳»: یَسْتَمِعونَ («الطُّلاب» جمع مذکّر است و فعل نیز مطابق با آن جمع مذکّر می‌آید.) ← ترجمهٔ عبارت: دانش‌آموزان به سخن استاد خود گوش فرا می‌دادند.
۲۰. گزینهٔ «۱»: تَهْجُمُ («کانَتْ» فعل کمکی مفرد مؤنّث غایب است و فعل پس از آن مفرد مؤنّث می‌آید.) ← ترجمهٔ عبارت: گروه بزرگی از موش‌ها بر سبزیجات هجوم می‌بُردند.
۲۱. گزینهٔ «۲»: دوری می‌کرد (لَیتَ + فعل ماضی «ابْتَعَدَ» ← ماضی استمراری)

ماضی بعید — ۱۹ — تکرار

- به فعلی گفته می‌شود که در گذشتهٔ دور انجام شده است.
  - نوشته بودم، خوانده بودید، کمک کرده بودند و ... .
- فعل ماضی بعید با آمدن صیغه‌های ماضی «کانَ» + «قَد» قبل از صیغه‌های فعل ماضی ساخته می‌شود.
  - کانَ + قَد + جَلَسَ ← کانَ قَد جَلَسَ
  - آوردن «قَد» اختیاری است؛ بنابراین گاهی این فعل بدون «قَد» نیز می‌آید.

کانَ + [قَد] ← ماضی بعید

- فعل ماضی بعید با فرمول «ماضی ساده + ـه + بود + شناسه» ترجمه می‌شود.
  - کانَ قَد کَتَبَ ← نوشته بود.
  - کُنّا قَد کَتَبْنا ← نوشته بودیم.

- به شکل‌های مختلف فعل ماضی بعید و ترجمهٔ هر یک در جدول زیر دقت کنید.

ماضی بعید	ترجمه
۱. کانَ (قَد) ذَهَبَ	رفته بود
۲. کانَتْ (قَد) ذَهَبَتْ	
۳. کانا (قَد) ذَهَبا	
۴. کانَتا (قَد) ذَهَبَتا	رفته بودند
۵. کانوا (قَد) ذَهَبوا	
۶. کُنَّ (قَد) ذَهَبْنَ	
۷. کُنْتَ (قَد) ذَهَبْتَ	رفته بودی
۸. کُنْتِ (قَد) ذَهَبْتِ	
۹. کُنْتُما (قَد) ذَهَبْتُما	رفته بودید
۱۰. کُنْتُم (قَد) ذَهَبْتُم	
۱۱. کُنْتُنَّ (قَد) ذَهَبْتُنَّ	
۱۲. کُنْتُ (قَد) ذَهَبْتُ	رفته بودم
۱۳. کُنّا (قَد) ذَهَبْنا	رفته بودیم

- فعل ماضی در ساختار «لَیتَ + فعل ماضی» را نیز می‌توان به‌صورت ماضی بعید ترجمه کرد. (توکادر۴ گفتیم هم ماضی استمراری و هم ماضی بعید، هر دوتاش درسته.)
  - لَیتَ التِّلمیذَ ابتَعَدَ عَنِ الکَسَلِ. ← کاش دانش‌آموز از تنبلی دوری کرده بود. (دوری می‌کرد.)

لَیتَ + ماضی ← ماضی بعید / ماضی استمراری

- فعل ماضی در ساختار «فعل ماضی + فعل ماضی» نیز به‌صورت ماضی بعید (یا ماضی ساده) ترجمه می‌شود.
  - شاهَدْتُ صَدیقاً ساعَدَني في الدُّروسِ. ← دوستی را دیدم که به من در درس‌ها کمک کرده بود. (کمک کرد)
    (شاهَدْتُ: ماضی — ساعَدَني: ماضی)
    (کمک کرده بود: ماضی بعید)

ایستگاه سؤال

تَرجِم الأَفعال التّالیَة:

۱. کانَ الحارِسانِ قَد امْتَنَعا عَنِ النَّومِ. (اردیبهشت ۱۴۰۲)
۲. کَتَبَ (نوشت) ← التِّلمیذاتُ کُنَّ قَد کَتَبْنَ دُروسَهُنَّ. (دی ۱۴۰۱)
۳. لَعِبَ (بازی کرد) ← کانوا قَدْ لَعِبُوا في الْحَدیقَةِ. (دی ۱۴۰۱)
۴. کَتَمَ (پنهان کرد) ← إنَّهُ ما کانَ قَدْ کَتَمَ ما یَعْلَمُ. (شهریور ۱۴۰۱)
۵. شَجَّعَ (تشویق کرد) ← کانوا قَدْ شَجَّعوا اللّاعِبینَ. (خرداد ۱۴۰۱)
۶. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← إنَّ الحارِسَ کانَ قَدْ اِمْتَنَعَ. (شهریور ۱۴۰۰ - خرداد ۹۹)
۷. أَرْسَلَ (فرستاد) ← کانَ قَدْ أَرْسَلَ الطَّعامَ إلَیَّ. (خرداد ۱۴۰۰)
۸. أَلْفِرِد نوبِل کانَ قَدْ شَعَرَ بِخَیْبَةِ الأَمَلِ. (دی ۹۹)
۹. أَلفِرِد نوبِل کانَ قَدْ بَنی مُخْتَبَراً صَغیراً. (شهریور ۹۹)
۱۰. إنَّهُ کانَ قَدْ عَلَّمَ تَلامیذَهُ. (شهریور ۹۸)

۱۱. إنَّ أنوشِروانَ كانَ قَدْ شاهَدَ شَجَرَةً. (خرداد ۹۸)

۱۲. رَخُصَ (ارزان شد) ← أسْعارُ البَضائِعِ كانَتْ قَد رَخُصَتْ بَعدَ التَّخْفيضِ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)

۱۳. إنَّ أَلْفِرد كانَ قَدْ اِهْتَمَّ بِمادَّةِ الدّيناميتِ وَ كانَ يَعْمَلُ عَلَى تَطويرِها. (دی خارج ۱۴۰۰)

۱۴. جَعَلَ (قرار داد) ← كُنَّ قَد جَعَلْنَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۱۵. صَنَعَ (ساخت) ← كانَ قَدْ صَنَعَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۱۶. يُحكى أنّ مُزارِعاً كانَتْ لَهُ مَزْرَعَةٌ كَبيرةٌ. (دی خارج ۹۹)

۱۷. ذَكَرَ (یاد کرد) ← كانَتْ قَدْ ذَكَرَتْ. (دی خارج ۹۹)

۱۸. تَكاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← لَيتَهم تَكاتَبوا. (شهریور خارج ۹۸)

اِنْتَخِبِ الصَّحيح:

۱۹. كانَ الحارِسُ قَدْ ..... عَنِ النَّومِ. (دی خارج ۹۹)

۱) اِمْتَنَعَ

۲) اِمْتَنَعَتْ

۳) تَمْتَنِعُ

پاسخ سؤالات

۱. خودداری کرده بودند (كانَ ... + قَد + فعل ماضی (امْتَنَعا) ← ماضی بعید)

۲. نوشته بودند (كُنَّ + قَد + فعل ماضی (كَتَبْنَ) ← ماضی بعید)

۳. بازی کرده بودند (كانوا + قَد + فعل ماضی (لَعِبوا) ←ماضی بعید)

۴. پنهان نکرده بود (ما كانَ + قَد + فعل ماضی (كَتَمَ) ← ماضی بعید منفی)

۵. تشویق کرده بودند (كانوا + قَد + فعل ماضی (شَجَّعوا) ← ماضی بعید)

۶. خودداری کرده بود (كانَ + قَد + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید)

۷. فرستاده بود (كانَ + قَد + فعل ماضی (أَرْسَلَ) ← ماضی بعید)

۸. احساس کرده بود (كانَ + قَد + فعل ماضی (شَعَرَ) ← ماضی بعید)

۹. ساخته بود (كانَ + قَد + فعل ماضی (بَنى) ← ماضی بعید)

۱۰. یاد داده بود (كانَ + قَد + فعل ماضی (عَلَّمَ) ← ماضی بعید)

۱۱. مشاهده کرده بود (كانَ + قَد + فعل ماضی (شاهَدَ) ← ماضی بعید)

۱۲. ارزان شده بود (كانَتْ + قَد + فعل ماضی (رَخُصَتْ) ← ماضی بعید)

۱۳. اهمیت داده بود (كانَ + قَد + فعل ماضی (اِهْتَمَّ) ← ماضی بعید)

۱۴. قرار داده بودند (كُنَّ + قَد + فعل ماضی (جَعَلْنَ) ← ماضی بعید)

۱۵. ساخته بود (كانَ + قَد + فعل ماضی (صَنَعَ) ← ماضی بعید)

۱۶. داشت (كانَتْ + لِ ← داشت) (یادتان باشد «كانَ» در شکل‌های مختلف به همراه «لِ» معنای «داشتن» می‌دهد.)

۱۷. یاد کرده بود (كانَتْ + قَد + فعل ماضی (ذَكَرَتْ ← ماضی بعید)

۱۸. نامه‌نگاری کرده بودند، نامه‌نگاری می‌کردند (لَيتَ + فعل ماضی (تَكاتَبوا) ← ماضی بعید / ماضی استمراری)

۱۹. گزینهٔ «۱»: اِمْتَنَعَ (با توجه به فعل کمکی «كانَ» که مفرد مذکّر است فعل پس از آن نیز مفرد مذکّر می‌آید.) ← ترجمهٔ عبارت: نگهبان از خواب خودداری کرده بود.

مضارع ساده ۱۸ تکرار

- فعلی است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان حال یا آینده دلالت می‌کند.

يَنْصُرُ(یاری می‌کند)، تَرجِعانِ (باز می‌گردند، باز می‌گردید.)، يُدافِعونَ (دفاع می‌کنند) و ... .

- در جدول زیر به شناسه‌های فعل مضارع و ضمایر هر یک به همراه ترجمهٔ فعل دقت کنید.

فعل مضارع	شناسه	ضمیر	ترجمه
أَجْلِسُ	ندارد	أنا (من)	می‌نشینم
تَجْلِسُ		أَنْتَ (تو)	می‌نشینی
تَجْلِسينَ	ينَ	أَنْتِ (تو)	
يَجْلِسُ	ندارد	هُوَ (او)	می‌نشیند
تَجْلِسُ		هيَ (او)	
نَجْلِسُ	ندارد	نَحْنُ (ما)	می‌نشینیم
تَجْلِسانِ	انِ	أَنْتُما (شما)	می‌نشینید
تَجْلِسونَ	ونَ	أَنْتُم (شما)	
تَجْلِسْنَ	نَ	أَنْتُنَّ (شما)	
يَجْلِسانِ	انِ	هُما (آن دو)	می‌نشینند
تَجْلِسانِ			
يَجْلِسونَ	ونَ	هُم (ایشان)	
يَجْلِسْنَ	نَ	هُنَّ (ایشان)	

- همان‌طور که در جدول ملاحظه کردید فعل مضارع ساده به‌صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود؛ «می + بن فعل + شناسه ← مضارع اخباری»

أَ تَعْمَلونَ في المَصْنَعِ؟ آیا در کارخانه کار می‌کنید؟

مضارع — مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

ایستگاه سؤال

تَرجِمِ الأَفعالَ التّالِيَةَ:

۱. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← الأَصْدِقاءُ يَتَذَكَّرونَ المُعَلِّمَ. (شهریور ۱۴۰۱)

۲. أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ. (دی ۱۴۰۰)

۳. أَرْسَلَ (فرستاد) ← هُم يُرسِلونَ الخَبَرَ. (شهریور ۱۴۰۰)

۴. خَلَقَ (آفرید) ← يَخْلُقونَ. (دی ۹۹)

۵. ﴿... إنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ المُحْسِنينَ﴾ (دی ۹۸ - دی ۹۷)

۶. شاهَدَ (مشاهده کرد) ← أُشاهِدُ. (شهریور ۹۸)

۷. ﴿... الَّذينَ يُسارِعونَ في الكُفْرِ﴾ (دی خارج ۹۹)

اِنتخِب الفعل المناسِبَ للفَراغ:

۸. ..... السَّيّاحُ في قاعَةِ المَطارِ. (دی ۱۴۰۱)

۱) يَحْضُرونَ ۲) يَحْضُرُ ۳) يَحْضُرْنَ

۹. كُلُّ شَيْءٍ ..... إذا كَثُرَ إلّا الأَدَب. (دی ۱۴۰۰)

۱) يَرخُصُ ۲) يَرْخُصُوا ۳) يَرْخُصُون

۱۰. المُتَفَرِّجونَ ..... فَريقَهُم الفائِزَ فَرِحينَ. (دی ۱۴۰۰)

۱) يُشَجِّعونَ ۲) يُشَجِّعْنَ ۳) يُشَجِّعُ

۱۱. الطّالِباتُ ..... في أداءِ واجِباتِهِنَّ. (شهریور۹۹)

۱) تَجْتَهِدُ ۲) تَجْتَهِدْنَ ۳) يَجْتَهِدْنَ

۱۲. ﴿إنَّ اللّهَ يُحِبُّ الَّذينَ ..... في سَبيلِهِ صَفّاً﴾ (خرداد۹۹)

۱) يُقاتِلونَ ۲) تُقاتِلونَ ۳) يُقاتِلُ

۱۳. ..... المُتَفَرِّجونَ فَريقَهُم. (دی ۹۸)

۱) يُشَجِّعونَ ۲) تُشَجِّعُ ۳) يُشَجِّعُ

۱۴. إنَّ المُؤمِناتِ ..... اللّهَ كثيراً. (خرداد ۹۸)

۱) تَذْكُرْنَ ۲) يَذْكُرونَ ۳) يَذْكُرْنَ

۱۵. الطّالِباتُ ..... في الإمْتِحانِ. (دی ۹۷)

۱) يَنْجَحونَ ۲) تَنْجَحْنَ ۳) يَنْجَحْنَ

۱۶. الفَلّاحونَ ..... المَحاصيلَ في المَزارِعِ. (دی خارج ۱۴۰۰)

۱) يَجْمَعُ ۲) يَجْمَعونَ ۳) يَجْمَعْنَ

۱۷. الصَّيّادونَ الإفريقيّونَ ..... إلى مكانِ اخْتِفاءِ السَّمَكِ المَدْفون. (دی خارج ۱۴۰۰)

۱) يَذْهَبانِ ۲) يَذْهَبُ ۳) يَذْهَبونَ

۱۸. العُمّالُ ..... في المَناجِمِ. (دی خارج ۹۷)

۱) يَشْتَغِلُ ۲) يَشْتَغِلونَ ۳) تَشْتَغِلُ

پاسخ سؤالات

۱. به یاد می‌آورند («يَتَذَكَّرونَ» فعل مضارع و از باب «تَفَعُّل» است.) ← مضارع اخباری

۲. آمرزش می‌خواهم («أَسْتَغْفِرُ» فعل مضارع و از باب «اِسْتِفعال» است.) ← مضارع اخباری

۳. می‌فرستند (مضارع اخباری)

۴. می‌آفرینند (مضارع اخباری)

۵. دوست می‌دارد («يُحِبُّ» فعل مضارع و صیغهٔ مفرد مذکّر غایب است.) ← مضارع اخباری

۶. مشاهده می‌کنم (مضارع اخباری)

۷. می‌شتابند («يُسارِعونَ» فعل مضارع و از باب «مُفاعَلَة» است.) ← مضارع اخباری

۸. گزینهٔ «۲»: يَحْضُرُ (با توجه به «السَّيّاح» که جمع مکسّر است و نیز در اول جمله، فعل به‌صورت مفرد می‌آید.) ← ترجمهٔ عبارت: گردشگران در سالن فرودگاه حاضر می‌شوند.

۹. گزینهٔ «۱»: يَرْخُصُ («كُلُّ شَيْءٍ» بر مفرد مذکّر دلالت دارد؛ بنابراین فعل در همین صیغه مناسب جای خالی است.) ← ترجمهٔ عبارت: هر چیزی ارزان می‌شود هرگاه زیاد شود، به‌جز ادب.

۱۰. گزینهٔ «۱»: يُشَجِّعونَ («المُتَفَرِّجونَ» جمع مذکّر است؛ پس فعل نیز جمع مذکّر می‌آید. ← ترجمهٔ عبارت: تماشاگران تیم برنده‌شان را با شادی تشویق می‌کنند.)

۱۱. گزینهٔ «۳»: يَجْتَهِدْنَ («الطّالِبات» جمع مؤنّث است؛ و نیز با توجه به ضمیر متّصل «هِنَّ» در کلمه «واجِباتِهِنَّ» فعل به‌صورت جمع مؤنّث غایب می‌آید.) ← ترجمهٔ عبارت: دانش‌آموزان در انجام تکالیفشان تلاش می‌کنند.

۱۲. گزینهٔ «۱»: يُقاتِلونَ («الَّذينَ» جمع مذکّر است و فعل نیز در همین صیغه می‌آید.) ← ترجمهٔ آیهٔ شریفه: همانا خداوند دوست می‌دارد کسانی را که در راهش صف‌کشیده می‌جنگند.

۱۳. گزینهٔ «۳»: يُشَجِّعُ («المُتَفَرِّجونَ» جمع مذکّر است؛ و فعل در ابتدای عبارت مفرد مذکّر می‌آید.) ← ترجمهٔ عبارت: گردشگران تیم خود را تشویق می‌کنند.

۱۴. گزینهٔ «۳»: يَذْكُرْنَ (با توجه به «المؤمنات» که جمع مؤنّث است و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد؛ فعل «يَذْكُرْنَ» مناسب جای خالی است.) ← ترجمهٔ عبارت: مؤمنان خدا را بسیار یاد می‌کنند.

۱۵. گزینهٔ «۳»: يَنْجَحْنَ (با توجه به «الطّالِبات» که جمع مؤنّث است و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد، فعل «يَنْجَحْنَ» مناسب جای خالی است.) ← ترجمهٔ عبارت: دانش‌آموزان در امتحان موفّق می‌شوند.

۱۶. گزینهٔ «۲»: يَجْمَعونَ («الفَلّاحونَ» جمع مذکّر است؛ بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید.) ← ترجمهٔ عبارت: کشاورزان محصولات را در مزرعه‌ها جمع می‌کنند.

۱۷. گزینهٔ «۳»: يَذْهَبونَ («الصَّيّادونَ» بر جمع مذکّر دلالت دارد؛ و فعل در همین صیغه مناسب جای خالی است.) ← ترجمهٔ عبارت: شکارچیان آفریقایی به محل پنهان شدن ماهی دفن‌شده می‌روند.

۱۸. گزینهٔ «۲»: يَشْتَغِلونَ (با توجه به «العُمّال» که جمع مکسّر است و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد، فعل «يَشْتَغِلون» مناسب جای خالی است.) ← ترجمهٔ عبارت: کارگران در معادن کار می‌کنند.

۱۷ مضارع منفی ۱۸ تکرار

- فعل مضارع با حرف «لا» و گاهی با حرف «ما» منفی می‌شود.

لا + فعل مضارع ← مضارع منفی

- با آوردن «لا»ی نفی بر سر فعل مضارع، آخر فعل هیچ تغییری نمی‌کند.
  - لا + يَذْهَبُ ← لا يَذْهَبُ (نمی‌رود)
  - لا + يَذْهَبانِ ← لا يَذْهَبانِ (نمی‌روند)
- فعل مضارع منفی به‌صورت مضارع اخباری منفی ترجمه می‌شود.
  - لِمَ لا تَكْتُبينَ دَرْسَكِ؟ (ترجمه: چرا درست را نمی‌نویسی؟) — لا تَكْتُبينَ: مضارع منفی
  - لا أَتَذَكَّرُكَ يا زَميلي. (ترجمه: تو را به یاد نمی‌آورم ای هم‌کلاسی‌ام.) — لا أَتَذَكَّرُ: مضارع منفی

ایستگاه سؤال

تَرجِم الأَفعالَ التّالِيَةَ:

۱. هُم لا يَسْتَغْفِرونَ. (شهریور ۹۹)

۲. لا تُطْعِموا المَساكينَ مِمّا لا تَأكُلونَ. (شهریور ۹۹)

۳. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لا يَمْتَنِعونَ. (خرداد ۹۹)

۴. قَطَعَ (بُرید) ← لا نَقْطَعُ. (شهریور ۹۸)

۵. أَجْلَسَ (نشانید) ← لِماذا لا تُجْلِسينَ الأَطفالَ؟ (دی ۹۸)

۶. لا تُثْمِرُ إلّا بَعدَ عَشرِ سَنواتٍ. (خرداد ۹۸)

۷. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لا يَتَكَلَّمُ. (دی خارج ۱۴۰۰)

۸. يا بُنَيَّ لا تَقُلْ ما لا تُحِبُّ أَن يُقالَ لَكَ. (دی خارج ۱۴۰۰)

۹. شَجَّعَ (تشویق کرد) ← لا تُشَجِّعينَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۱۰. عَلَّمَ (یاد داد) ← لا يُعَلِّمونَ. (دی خارج ۹۹)

۱۱. عَبَدَ (عبادت کرد) ← لا يَعْبُدُ. (خرداد خارج ۹۹)

۱۲. غَفَرَ (آمرزید) ← لا يَغْفِرونَ. (دی خارج ۹۸)

۱۳. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لا أَتَذَكَّرُكَ يا زَميلي. (خرداد خارج ۹۸)

اِنتَخِبِ الفِعلَ المُناسِبَ للفراغِ:

۱۴. مادَّةُ الدّينامیتِ ..... إلّا بِإرادَةِ الإنسانِ. (اردیبهشت ۱۴۰۲)

○ ۱) لَم انْفَجَرَ ○ ۲) لا يَنْفَجِرُ

○ ۳) لا تَنْفَجِرُ ○ ۴) لَن انْفَجَرَ

۱۵. ..... اللّهُ مَنْ لا يَرْحَمُ النّاسَ. (دی ۱۴۰۰)

○ ۱) لا يَرْحَمَ ○ ۲) لا يَرْحَمُ ○ ۳) لا تَرْحَمُ

۱۶. ..... خَصلَتانِ في مُؤمِنٍ: اَلْبُخلُ وَ الكِذْبُ. (خرداد ۱۴۰۰)

○ ۱) لا يَجْتَمِعُ ○ ۲) لا تَجْتَمِعانِ ○ ۳) لا تَجْتَمِعُ

۱۷. ﴿إنَّ اللّه لَذو فَضلٍ عَلَى النّاسِ وَلكنَّ أكثرَ النّاسِ لا .....﴾ (شهریور ۹۹)

○ ۱) تَشْكُرونَ ○ ۲) يَشْكُرونَ ○ ۳) يَشْكُروا

۱۸. ..... أمسِ كُتُبِكِ إلّا كتابَ اللُّغَةِ العَربيّةِ. (دی ۹۸ - دی خارج ۹۹ - دی خارج ۱۴۰۰)

○ ۱) ما طالَعْتِ ○ ۲) يُطالِعُ ○ ۳) لا تُطالِعُ

پاسخ سؤالات

۱. آمرزش نمی‌خواهند (لا + فعل مضارع (يَسْتَغْفِرونَ) ← مضارع منفی)

۲. نمی‌خورید (لا + فعل مضارع (تَأكلون) ← مضارع منفی)

۳. خودداری نمی‌کنند (لا + فعل مضارع (يَمْتَنِعون) ← مضارع منفی)

۴. نمی‌بُریم (لا + فعل مضارع (نَقْطَعُ) ← مضارع منفی)

۵. نمی‌نشانی (لا + فعل مضارع (تُجْلِسينَ) ← مضارع منفی)

۶. میوه نمی‌دهد (لا + فعل مضارع (تُثْمِرُ) ← مضارع منفی)

۷. سخن نمی‌گوید (لا + فعل مضارع (يَتَكَلَّمُ) ← مضارع منفی)

۸. دوست نداری (لا + فعل مضارع (تُحِبُّ) ← مضارع منفی)

۹. تشویق نمی‌کنی (لا + فعل مضارع (تُشَجِّعينَ) ← مضارع منفی)

۱۰. یاد نمی‌دهند (لا + فعل مضارع (يُعَلِّمونَ) ← مضارع منفی)

۱۱. عبادت نمی‌کند (لا + فعل مضارع (يَعْبُدُ) ← مضارع منفی)

۱۲. نمی‌آمرزند (لا + فعل مضارع (يَغْفِرونَ) ← مضارع منفی)

۱۳. تو را به یاد نمی‌آورم (لا + فعل مضارع (أَتَذَكَّرُ) ← مضارع منفی)

۱۴. گزینهٔ «۳»: لا تَنْفَجِرُ («مادَّة» مفرد مؤنّث است و فعل برای آن در صیغهٔ مفرد مؤنّث صحیح است.) ← ترجمهٔ عبارت: مادهٔ دینامیت جز با ارادهٔ انسان منفجر نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه‌های (۱) و (۴): از نظر ساختار نادرست‌اند. (رجوع شود به کادر ۲ و ۹) (یادتون باشه که «لَمْ» و «لَنْ» بر سر فعل مضارع می‌آن نه ماضی!!)

گزینهٔ (۲): «لا يَنْفَجِرُ» در صیغهٔ مفرد مذکّر غایب است و با «مادّة» که مؤنّث آمده مطابقت ندارد.

۱۵. گزینهٔ «۲»: لا يَرْحَمُ («اللّه» مفرد مذکّر است؛ بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید، در ضمن در گزینهٔ (۱) حرکت آخر فعل فتحه گرفته و نادرست است. (یادتون باشه حرف «لا»ی نفی آخر فعل رو تغییر نمی‌ده.) ← ترجمهٔ عبارت: خداوند به کسی که به مردم رحم نمی‌کند، رحم نمی‌کند.

۱۶. گزینهٔ «۳»: لا تَجْتَمِعُ («خَصْلَتانِ» مثنای مؤنّث است؛ بنابراین فعل مؤنّث می‌آید. [رد گزینهٔ ۱]، در ضمن فعل غایب ابتدای جمله مفرد آورده می‌شود. [رد گزینهٔ ۲]. ترجمهٔ عبارت: دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: خسیس بودن و دروغ.

۱۷. گزینهٔ «۲»: يَشْكُرونَ («لا»ی موجود در عبارت، «نفی» است؛ بنابراین آخر فعل تغییر نمی‌کند. [رد گزینهٔ ۳] و نیز فعل مذکّر می‌آید، زیرا مرجع آن کلمهٔ «أكثر النّاسِ» می‌باشد. [رد گزینهٔ ۱]) ← ترجمهٔ عبارت: همانا خداوند صاحب بخشش بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند.

۱۸. گزینهٔ «۱»: (با توجه به قید «أمسِ: دیروز» که بر گذشته دلالت می‌کند؛ فعل ماضی «ما طالَعْتِ» مناسب جای خالی است.) ← ترجمهٔ عبارت: دیروز کتاب‌هایت را مطالعه نکردی به‌جز کتاب عربی.

نهی — **۲۱** — **تکرار**

- فعلی است که دستور به انجام ندادن کاری می‌دهد.

نپرس، نگویید، نروید و ....

- برای ساخت فعل نهی حرف «لا» را بر سر شش صیغهٔ مخاطب می‌آوریم و آخر فعل را تغییر می‌دهیم. یعنی ضمهٔ آخر فعل تبدیل به ساکن می‌شود و اگر آخر فعل «ن» داشت آن را حذف می‌کنیم به‌جز «ن» جمع مؤنّث.

لا + تَسْأَلُ —نهی→ لا تَسْأَلْ (نپرس) (ساکن کردن آخر فعل)

لا + تَسْأَلانِ —نهی→ لا تَسْأَلا (نپرسید) (حذف نون)

لا + تَسْأَلْنَ —نهی→ لا تَسْأَلْنَ (نپرسید) (نون حذف نمیشه)

لا + فعل مضارع (با تغییر) ← **نهی**

- فعل نهی را به‌صورت امر منفی ترجمه می‌کنیم.

لا تَخْرُجي مِنَ البَيْتِ. —ترجمه→ از خانه بیرون نرو.
(فعل نهی)

لا تَتَكَلَّموا في المَكْتَبَةِ. —ترجمه→ در کتابخانه سخن نگویید.
(فعل نهی)

ایستگاه سؤال

تَرجِم الأفعالَ التّالیةَ:

۱. کَتَمَ (پنهان کرد) ← صَدیقي العَزیز! لا تَکْتُمْ الحَقیقةَ. (شهریور ۱۴۰۱)
۲. صَنَعَ (ساخت) ← یا مُهندِسُ! لا تَصْنَعْ هذا البناءَ. (خرداد ۱۴۰۱)
۳. تَکَلَّمَ (سخن گفت) ← لا تَتَکَلَّموا في الصَّفِّ. (خرداد ۱۴۰۱)
۴. أرْسَلَ (فرستاد) ← لا تُرْسِلْ رِسالةً. (خرداد ۱۴۰۱)
۵. مِنْ فَضلِکُم؛ لا تُجادِلُوا. (دی ۱۴۰۰)
۶. قَطَعَ (بُرید) ← أیُّها الفَلّاحُ! لا تَقْطَعْ شَجَرةً. (شهریور ۱۴۰۰)
۷. أرْسَلَ (فرستاد) ← لا تُرْسِلْ هذِهِ الرّسالةَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۸. عامَلَ (رفتار کرد) ← إلهي لا تُعامِلْ بِعَدْلِكَ. (شهریور ۹۹ - دی ۹۸)
۹. لا تُطْعِموا المَساکینَ مِمّا لا تأکلونَ. (شهریور ۹۹)
۱۰. ساعَدَ (کمک کرد) ← أنْتِ لا تُساعِدي. (شهریور ۹۹)
۱۱. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لا تَمْتَنِعوا. (خرداد ۹۹)
۱۲. جالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← یا رِجالُ لا تُجالِسوا الأشْرارَ. (خرداد ۹۸)
۱۳. ذَکَرَ (یاد کرد) ← لا تَذْکُرْ. (دی ۹۷)
۱۴. لا تَظْلِمْ کَما لا تُحِبُّ أن تُظْلَمَ. (دی ۹۷)
۱۵. قَطَعَ (بُرید) ← لا تَقْطَعوا صَداقتَکُم. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۶. یا بُنَيَّ، لا تَقُلْ ما لا تُحِبُّ أنْ یُقالَ لَکَ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۷. جالَسَ (همنشینی کرد) ← لا تُجالِسِ الأشْرارَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۸. صَنَعَ (ساخت) ← لا تَصْنَعْ هذا البابَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۹. ذَکَرَ (یاد کرد) ← لا تَذْکُروا. (دی خارج ۹۹)
۲۰. إلهی! لا تُعامِلْنا بِعَدْلِكَ. (خرداد خارج ۹۹)
۲۱. ﴿وَ لا تَهِنوا وَ لا تَحْزَنوا وَ أنْتُم الأعْلَونَ﴾ (خرداد خارج ۹۸)

○ ۱) سست نشوید
○ ۲) سست نمی‌شوید
○ ۳) نباید سست شوید

پاسخ سؤالات

۱. پنهان نکن (لا + تَکْتُمْ ← لا تَکْتُمْ (نهی))
۲. نساز (لا + تَصْنَعُ ← لا تَصْنَعْ (نهی))
۳. سخن نگویید (لا + تَتَکَلَّمونَ ← لا تَتَکَلَّموا (نهی))
۴. نفرست (لا + تُرْسِلُ ← لا تُرْسِلْ (نهی))
۵. بحث نکنید (لا + تُجادِلونَ ← لا تُجادِلوا (نهی))
۶. نبُر (لا + تَقْطَعُ ← لا تَقْطَعْ (نهی))
۷. نفرست (لا + تُرْسِلُ ← لا تُرْسِلْ (نهی))
۸. رفتار نکن (لا + تُعامِلُ ← لا تُعامِلْ (نهی))
۹. نخورانید (لا + تُطْعِمونَ ← لا تُطْعِموا (نهی))
۱۰. کمک نکن (لا + تُساعِدینَ ← لا تُساعِدي (نهی))
۱۱. خودداری نکنید (لا + تَمْتَنِعونَ ← لا تَمْتَنِعوا (نهی))
۱۲. هم‌نشینی نکنید (لا + تُجالِسونَ ← لا تُجالِسوا (نهی))
۱۳. یاد نکن (لا + تَذْکُرُ ← لا تَذْکُرْ (نهی))
۱۴. ستم نکن (لا + تَظْلِمُ ← لا تَظْلِمْ (نهی))
۱۵. نبُرید (لا + تَقْطَعونَ ← لا تَقْطَعوا (نهی))
۱۶. نگو (لا + تَقولُ ← لا تَقُلْ (نهی))
۱۷. همنشینی نکن (لا + تُجالِسُ ← لا تُجالِسْ (نهی))
۱۸. نساز (لا + تَصْنَعُ ← لا تَصْنَعْ (نهی))
۱۹. یاد نکنید (لا + تَذْکُرونَ ← لا تَذْکُروا (نهی))
۲۰. رفتار نکن (لا + تُعامِلُ ← لا تُعامِلْ (نهی))
۲۱. گزینهٔ «۱»: سست نشوید (لا + تَهِنونَ ← لا تَهِنوا (نهی))

۹ مستقبل ۲۴ تکرار

- به فعلی گفته می‌شود که بر زمان آینده دلالت می‌کند و با اضافه شدن حرف «سَ / سَوفَ» به اول فعل مضارع ساخته می‌شود.

سَ / سَوفَ + فعل مضارع ← مستقبل

- در ترجمهٔ فعل مستقبل از مشتقات فعل «خواهد...» استفاده می‌کنیم.

سَیَخْرُجُ (ترجمه) خارج خواهد شد.
سَوفَ نَرْجِعُ (ترجمه) باز خواهیم گشت.

- فعل مستقبل با آمدن حرف «لَن» بر سر فعل مضارع، منفی می‌شود.

لَن + أَجْلِسُ ← لَن أَجْلِسَ

لَن + فعل مضارع ← مستقبل منفی

- در ترجمهٔ فعل مستقبل منفی از مشتقات فعل «نخواهد...» استفاده می‌کنیم.

لَن تَذْهَبَ (ترجمه) نخواهی رفت، نخواهد رفت
لَن تَعْلَموا (ترجمه) نخواهید دانست

ایستگاه سؤال

تَرجِم الأفعالَ التّالیةَ:

۱. اِسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← لَنْ یَسْتَغْفِرَ المُشْرِكُ مِنْ ذَنْبِهِ. (دی ۱۴۰۱)
۲. ساعَدَ (کمک کرد) ← سَأُساعِدُ صَدیقي في أداءِ واجباتِهِ. (دی ۱۴۰۱)
۳. کتَمَ (پنهان کرد) ← النّاسُ لَنْ یَکتُموا أسرارَ حَیاتِهِم. (شهریور ۱۴۰۱)
۴. صَنَعَ (ساخت) ← إنَّهُ لَنْ یَصْنَعَ شَیئاً. (خرداد ۱۴۰۱)
۵. تَذَکَّرَ (به یاد آورد) ← سَنَتَذَکَّرُ الدَّرْسَ. (دی ۱۴۰۰)
۶. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَنْ نَمْتَنِعَ عَنِ الخروجِ. (شهریور ۱۴۰۰ - خرداد خارج ۹۹)
۷. قاتَلَ (جنگید) ← لَنْ تُقاتِلوا الأصدقاءَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۸. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَن نَمْتَنِعَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۹. ساعَدَ (کمک کرد) ← هُم لَن یُساعِدوا. (شهریور ۹۹)
۱۰. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هُم لَن یَجْتَهِدوا. (خرداد ۹۹)
۱۱. نَجَحَ (موفّق شد) ← سَوفَ یَنْجَحُ. (شهریور ۹۸)
۱۲. شاهَدَ (مشاهده کرد) ← لَن یُشاهِدَ. (شهریور ۹۸)
۱۳. جالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← هُو لَن یُجالِسَ الأعْداءَ. (خرداد ۹۸)
۱۴. تَذَکَّرَ (به یاد آورد) ← جَدّي لَن یَتَذَکَّرَكَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۵. ساعَدَ (کمک کرد) ← لَن أساعِدَهُم في الذَّنْبِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۶. تَذَکَّرَ (به یاد آورد) ← سَوفَ یَتَذَکَّرْنَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۷. أرْسَلَ (فرستاد) ← لَنْ نُرسِلَ رسالةً. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۸. عَلَّمَ (یاد داد) ← لَن یُعَلِّمَ. (دی خارج ۹۹)

۱۹. اِعْتَذَرَ (پوزش خواست) ← سَيَعْتَذِرُ. (دی خارج ۹۹)

۲۰. قَلَّدَ (تقلید کرد) ← لَنْ يُقَلِّدَ. (دی خارج ۹۹)

۲۱. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لَن يَجْتَهِدَ. (خرداد خارج ۹۹)

۲۲. عَبَدَ (عبادت کرد) ← سَيَعْبُدونَ. (خرداد خارج ۹۹)

۲۳. تَكاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← لَن يَتَكاتَبَ. (شهریور خارج ۹۸)

۲۴. لَنْ يَرْجِعَ صَديقي إلى بَلَدِهِ. (دی خارج ۹۷)

پاسخ سؤالات

۱. آمرزش نخواهد خواست (لَن + فعل مضارع (يَسْتَغْفِرُ) ← لَن يَستَغْفِرَ (مستقبل منفی))

۲. کمک خواهم کرد (سَ + فعل مضارع (أُساعِدُ) ← مستقبل)

۳. پنهان نخواهند کرد (لَن + فعل مضارع (يَكْتُمونَ) ← لَن يَكْتُموا (مستقبل منفی))

۴. نخواهد ساخت (لَن + فعل مضارع (يَصْنَعُ) ← لَن يَصْنَعَ (مستقبل منفی))

۵. به یاد خواهیم آورد (سَ + فعل مضارع (نَتَذَكَّرُ) ← مستقبل)

۶. خودداری نخواهیم کرد (لَن + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← لَن نَمْتَنِعَ (مستقبل منفی))

۷. نخواهید جنگید (لَن + فعل مضارع (تُقاتِلونَ) ← لَن تُقاتِلوا (مستقبل منفی))

۸. خودداری نخواهیم کرد (لَن + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← لَن نَمْتَنِعَ ← مستقبل منفی)

۹. کمک نخواهند کرد (لَن + فعل مضارع (يُساعِدونَ) ← لَن يُساعِدوا ← مستقبل منفی)

۱۰. تلاش نخواهند کرد (لَن + فعل مضارع (يَجْتَهِدونَ) ← لَن يَجْتَهِدوا ← مستقبل منفی)

۱۱. موفّق خواهد شد (سَوفَ + فعل مضارع (يَنْجَحُ) ← مستقبل)

۱۲. مشاهده نخواهد کرد (لَن + فعل مضارع (يُشاهِدُ) ← لَن يُشاهِدَ ← مستقبل منفی)

۱۳. هم‌نشینی نخواهد کرد (لَن + فعل مضارع (يُجالِسُ) ← لَن يُجالِسَ ← مستقبل منفی)

۱۴. به یاد نخواهد آورد (لَن + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُ) ← لَن يَتَذَكَّرَ ← مستقبل منفی)

۱۵. کمک نخواهم کرد (لَن + فعل مضارع (أُساعِدُ) ← لَن أُساعِدَ ← مستقبل منفی)

۱۶. به یاد خواهند آورد (سَوفَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرْنَ) ← مستقبل)

۱۷. نخواهیم فرستاد (لَن + فعل مضارع (نُرسِلُ) ← لَن نُرسِلَ (مستقبل منفی))

۱۸. یاد نخواهد داد (لَن + فعل مضارع (يُعَلِّمُ) ← لَن يُعَلِّمَ ← مستقبل منفی)

۱۹. پوزش خواهد خواست (سَ + فعل مضارع (يَعتَذِرُ) ← مستقبل)

۲۰. تقلید نخواهد کرد (لَن + فعل مضارع (يُقَلِّدُ) ← لَن يُقَلِّدَ (مستقبل منفی))

۲۱. تلاش نخواهد کرد، تلاش نخواهی کرد (لَن + فعل مضارع (تَجْتَهِدُ) ← لَن تَجْتَهِدَ ← مستقبل منفی)

۲۲. عبادت خواهند کرد (سَ + فعل مضارع (يَعْبُدونَ) ← مستقبل)

۲۳. نامه‌نگاری نخواهد کرد (لَن + فعل مضارع (يَتَكاتَبُ) ← لَن يَتَكاتَبَ ← مستقبل منفی)

۲۴. باز نخواهد گشت (لَنْ + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← لَنْ يَرْجِعَ ← مستقبل منفی)

مضارع التزامی ۲۲ تکرار

- فعلی است که بر وقوع کاری همراه با شک و تردید و تمنّا و ... دلالت می‌کند؛ اما وقوع آن حتمی نیست.
- در زبان عربی فعل‌هایی که با هر یک از ساختارهای زیر می‌آیند، به‌صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شوند. (بِـ + بن فعل + شناسه ← بِرَوَم، بِرَوی، بِرَوَد و ... .)

❶ أَنْ (که) / كَي، لِـ، لِكَيْ، حَتّى (تا، برای این‌که) + فعل مضارع ← مضارع التزامی

اِتَّصَلَ بِصَديقِهِ لِكَي يُصَلِّحَ سَيّارَتَهم. (لِكَي + يُصَلِّحَ)	با دوستش تماس گرفت تا ماشینشان را تعمیر بکند. (مضارع التزامی)
أَرْسَلَ عَلَيْهِمُ الأَنبياءَ لِيُبَيِّنوا الصِّراطَ المُستَقيمَ وَ الدّينَ الحَقَّ. (لِـ + يُبَيِّنونَ ← لِيُبَيِّنوا)	پیامبران را بر آنان فرستاد تا راه درست و دین حق را آشکار کنند. (مضارع التزامی)

❷ إِن (اگر)، مَن (هرکس)، ما (هرچه)، إِذا (هرگاه، اگر، چنان‌چه) + فعل ← مضارع التزامی

(ساختار شمارهٔ (۲) مربوط میشه به اسلوب شرط (جمله‌های شرطی) که فعل شرط طبق فرمول بالا مضارع التزامی و جواب شرط مضارع اخباری ترجمه میشه.)

إِذا أَرادَ اللهُ هَلاكَ النَّمْلَةِ أَنْبَتَ لَها جَناحَين. (ادات شرط / فعل شرط (ماضی) / جواب شرط (ماضی))	هرگاه خداوند نابودی مورچه را بخواهد، برایش دو بال می‌رویانَد. (مضارع التزامی / مضارع اخباری)
﴿إِن تَنْصُروا اللهَ يَنْصُرْكُم﴾ (ادات شرط / فعل شرط / جواب شرط)	اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند. (مضارع التزامی / مضارع اخباری)

❸ لِـ (امر) + مضارع (غائب / متکلّم) ← باید + مضارع التزامی

- لِـ + يُرْسِلُ ← لِيُرسِلْ (باید بفرستد)
- لِـ + نَنْتَقِمُ ← لِنَنْتَقِمْ (باید انتقام بگیریم)
- گاهی حروف ربطی مانند «وَ، فَ، ثُمَّ» قبل از «لِـ» می‌آیند و آن را [لامِ امر] ساکن می‌کنند.

وَلْنَذْكُرْ مَثَلاً إبراهيمَ الخَليلَ ﷺ. (لِـ + فعل متکلّم مع الغیر (لِـ) به خاطر «و» ساکن شده است.)	و باید یاد کنیم.

❹ لا (نهی) + مضارع (غائب / متکلّم) ← نباید + مضارع التزامی

- لا + يَنْتَقِلْ ← لا يَنْتَقِلْ (نباید جابه‌جا شود)
- لا + يَذْهَبوا ← لا يَذْهَبوا (نباید بروند)

❺ **لَيتَ** (ای کاش)، **لَعَلَّ** (شاید، گاهی، امید است و ...) + **فعل مضارع ← مضارع التزامی**

﴿لَيتَ قومي يَعلَمونَ﴾	ای کاش قوم من بدانند.
﴿... لَعَلَّهُم يَعقِلونَ﴾	شاید آن‌ها خردورزی کنند.

❻ **مضارع + مضارع ← مضارع‌التزامی** (و یا مضارع اخباری)

أَفتَخِرُ بِطالِبٍ يَسعى (مضارع) في (مضارع) اكتِسابِ الفَضائِلِ الأَخلاقِيَةِ.	به دانش‌آموزی افتخار می‌کنم که در کسب فضیلت‌های اخلاقی بکوشد. (می‌کوشد)

ایستگاه سؤال

تَرجِم الأَفعالَ التّالِيَةَ:

۱. لَعِبَ (بازی کرد) ← لا تَلعَبْ تِلميذَةٌ ذَكِيَّةٌ في الصَّفِّ. (دی ۱۴۰۱)

۲. كَتَبَ (نوشت) ← الأَطفالُ لا يَكْتُبوا عَلَى الأَشْجارِ. (دی ۱۴۰۱)

۳. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← أَنْ نَمْتَنِعَ. (آذر ۱۴۰۱)

۴. قاتَلَ (جنگید) ← لا يُقاتِلْ صَديقَهُ. (خرداد ۱۴۰۰)

۵. لِيُجْرِي فيه تَجارِبَه. (شهریور۹۹)

۶. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← نَحْنُ لِنَجْتَهِدْ. (خرداد ۹۹)

۷. لِيَسْتَمِعِ الحُضّارُ بِدقّةٍ حتّى يُدرِكوا كلامَه. (شهریور۹۸)

۸. إنْ تَرجِعْ أَرجِعْ. (شهریور۹۸)

۹. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← مَنْ يَتَكَلَّمْ في الامْتِحانِ يَخْسَرْ. (خرداد ۹۸)

۱۰. اِسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← لَيْتَهُم يَسْتَغْفِرونَ لِذُنوبِهِم. (خرداد ۹۸)

۱۱. أَحسِنْ كَما تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِليكَ. (خرداد ۹۸)

۱۲. لِنَقْرَأْ هذِهِ القِصَّةَ لِكَي نَطَّلِعَ عَلَى أَفْعالِ الإِنسانِ. (خرداد ۹۸ – دی خارج ۱۴۰۰ – دی خارج ۹۷)

۱۳. ساعَدَ (کمک کرد) ← لَيتَهُ يُساعِدُ. (تیر ۹۸)

۱۴. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لَيْتَهُ يَذْكُرُ. (دی ۹۷)

۱۵. لا تَظْلِمْ كَما لا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ. (دی ۹۷)

۱۶. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لا يَتَذَكَّرا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۱۷. عامَلَ (رفتار کرد) ← أَن يُعامِلوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۱۸. هُوَ يُريدُ أن يَرجِعَ. (دی خارج ۹۹)

۱۹. ﴿يا أَيُّها الرَّسولُ لا يَحْزُنْكَ الَّذينَ يُسارِعونَ في الكُفْرِ﴾ (دی خارج ۹۹)

۲۰. ساعَدَ (کمک کرد) ← لِكَيْ يُساعِدَ. (خرداد خارج ۹۸)

اِنْتَخِبِ الفعلَ المُناسِبَ للفراغ:

۲۱. عَلَى الإِنسانِ العاقِلِ أَنْ ..... مِنَ الوَجهِ النّافِعِ. (خرداد ۹۹)

○ ۱) يَسْتَفيدُ ○ ۲) تَسْتَفيدَ ○ ۳) يَسْتَفيدَ

۲۲. لَيْتَني ..... جَميعَ مُدُنِ بِلادي. (شهریور۹۸)

○ ۱) يُشاهِدُ ○ ۲) أشاهِدُ ○ ۳) تُشاهِدُ

پاسخ سؤالات

۱. نباید بازی کند
(لا (نهی) + فعل غایب (تَلْعَبُ) ← لا تَلْعَبْ ← مضارع التزامی منفی)

۲. نباید بنویسند
(لا (نهی) + فعل غایب (يَكْتُبونَ) ← لا يَكْتُبوا ← مضارع التزامی منفی)

۳. خودداری کنیم
(أَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← أَنْ نَمْتَنِعَ ← مضارع التزامی)

۴. نباید بجنگد (لا (نهی) + فعل غایب (يُقاتِلُ) ← لا يُقاتِلْ (مضارع التزامی منفی))

۵. تا اجرا کند (لِ + فعل مضارع (يُجْري) ← لِيُجْرِيَ (مضارع التزامی))

۶. باید تلاش کنیم
(لِ (امر) + فعل متکلّم (نَجْتَهِدُ) ← لِنَجْتَهِدْ ← مضارع التزامی)

۷. باید گوش فرا بدهند (لِ (امر) + فعل غایب (يَسْتَمِعُ) ← لِيَسْتَمِعْ (مضارع التزامی)) / تا درک کنند (حتّى + فعل مضارع (يُدرِكونَ)) ← حتّى يُدْرِكوا ← مضارع التزامی)

۸. برگردی («إنْ: اگر ← ادات شرط» / «تَرجِعْ» فعل شرط است. (مضارع التزامی)) / برمی‌گردم («أَرجِعْ» جواب شرط است ← مضارع اخباری)

۹. سخن بگوید («مَن: هرکس ← ادات شرط» / «يَتَكَلَّمْ» فعل شرط است ← مضارع التزامی)

۱۰. آمرزش بخواهند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَسْتَغْفِرونَ) ← مضارع التزامی)

۱۱. نیکی بشود (أَنْ + فعل مضارع مجهول ← يُحْسَنَ (مضارع التزامی))

۱۲. باید بخوانیم (لِ (امر) + فعل متکلّم (نَقْرَأُ) ← لِنَقْرَأْ (مضارع التزامی)) / تا آگاه شویم (لِكي) + فعل مضارع (نَطّلِعُ) ← لِكَي نَطَّلِعَ ← مضارع التزامی

۱۳. کمک کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يُساعِدُ) ← مضارع التزامی)

۱۴. یاد کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَذْكُرُ) ← مضارع التزامی)

۱۵. مورد ستم واقع شوی (أَنْ + فعل مضارع مجهول (تُظْلَمُ) ← أَنْ تُظْلَمَ (مضارع التزامی))

۱۶. نباید به یاد آورند
(لا (نهی) + فعل غایب (يَتَذَكَّرانِ) ← لايَتَذَكَّرا ← مضارع التزامی منفی)

۱۷. رفتار کنند
(أَنْ + فعل مضارع (يُعامِلونَ) ← أَن يُعامِلوا ← مضارع التزامی)

۱۸. که برگردد (أَنْ + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← أَنْ يَرْجِعَ (مضارع التزامی))

۱۹. نباید غمگین کند (لا (نهی) + فعل غایب (يَحْزُنُ) ← لا يَحْزُنْ (مضارع التزامی منفی))

۲۰. تا کمک کند
(لِكَيْ + فعل مضارع (يُساعِدُ) ← لِكَيْ يُساعِدَ ← مضارع التزامی)

۲۱. گزینهٔ «۳»: «يَستَفيدَ» فعل مضارع در صیغهٔ مفرد مذکّر غایب است و با کلمهٔ «الإنْسان» که مفرد مذکّر است مطابقت دارد؛ در ضمن حرکت آخر فعل به خاطر وجود «أَنْ» فتحه می‌گیرد. ← (ترجمهٔ عبارت: انسان دانا باید از وجه سودمند استفاده کند.)

۲۲. گزینهٔ «۲»: با توجه به ضمیر متکلّم وحده «ي» در «لَيْتَني» فعل نیز به‌صورت متکلّم وحده می‌آید. ← ترجمهٔ عبارت: کاش من همهٔ شهرهای کشورم را ببینم.

۱۱ قد + مضارع ۱۲ تکرار

• هرگاه حرف «قَد» بر سر فعل مضارع بیاید، فعل مضارع را با قید «گاهی، شاید» ترجمه می‌کنیم.

قَد + مضارع ← گاهی / شاید

قَد + أَلْعَبُ ترجمه گاهی بازی می‌کنم، شاید بازی کنم

• در ترجمهٔ فعل مضارع همراه با «قَد» از فرمول «گاهی + مضارع اخباری» یا «شاید + مضارع التزامی» استفاده می‌کنیم.

قَد أَذْهَبُ إلی القَریَةِ لِجَوِّها المُعْتَدِلِ.	
گاهی به روستا به خاطر هوای معتدلش می‌روم.	شاید به روستا به خاطر هوای معتدلش بِروم.

ایستگاه سؤال

تَرجِم الأَفعالَ التّالیَةَ:

۱. لَعِبَ (بازی کرد) ← قَد یَلْعَبُ الطِّفلُ في الغُرفَةِ. (دی ۱۴۰۱)

۲. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← التِّلامیذُ قَد یَتَعَلَّمونَ اللُّغَةَ الفَرنسیّةَ. (دی ۱۴۰۱)

۳. ذَکَرَ (یاد کرد) ← قَد یَذْکُرُ جَدّي صَدیقَهُ. (دی خارج ۱۴۰۰- شهریور ۱۴۰۰)

۴. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هُو قَد یَجْتَهِدُ. (خرداد ۱۴۰۰)

۵. وَ قَد یَذکُرُهم. (شهریور ۹۸)

۶. تَکَلَّمَ (سخن گفت) ← قَد یَتَکَلَّمُ مَعَ صَدیقِهِ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)

۷. شَجَّعَ (تشویق کرد) ← قَد یُشَجِّعُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۸. عَلَّمَ (یاد داد) ← قَد یُعَلِّمُ الدَّرسَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۹. صَنَعَ (ساخت) ← هيَ قَد تَصْنَعُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۱۰. قَلَّدَ (تقلید کرد) ← قَد یُقَلِّدونَ. (دی خارج ۹۹)

اِنتَخِب الصَّحیح:

۱۱. قَدْ ..... الطُّیورُ إلی حِیَلٍ. (شهریور ۱۴۰۱)

○ ۱) یَلجَأُ ○ ۲) تَلْجَأُ ○ ۳) یَلجَؤونَ

۱۲. قَد یَذْکُرُ الأُستاذُ تَلامیذَه القُدَماءَ. (خرداد خارج ۹۸)

○ ۱) یاد کرده است

○ ۲) گاهی یاد خواهد کرد

○ ۳) گاهی یاد می‌کند

پاسخ سؤالات

۱. گاهی بازی می‌کند، شاید بازی کند (قَد + فعل مضارع (یَلْعَبُ))

۲. گاهی یاد می‌گیرند، شاید یاد بگیرند (قَد + فعل مضارع (یَتَعَلَّمونَ))

۳. گاهی یاد می‌کند، شاید یاد کند (قَد + فعل مضارع (یَذْکُرُ))

۴. گاهی تلاش می‌کند، شاید تلاش کند (قَد + فعل مضارع (یَجْتَهِدُ))

۵. گاهی یاد می‌کند، شاید یاد کند (قَد + فعل مضارع (یَذْکُرُ))

۶. گاهی سخن می‌گوید، شاید سخن بگوید (قَد + فعل مضارع (یَتَکَلَّمُ))

۷. گاهی تشویق می‌کند، شاید تشویق کند (قَد + فعل مضارع (یُشَجِّعُ))

۸. گاهی یاد می‌دهد، شاید یاد بدهد (قَد + فعل مضارع (یُعَلِّمُ))

۹. گاهی می‌سازد، شاید بسازد (قَد + فعل مضارع (تَصْنَعُ))

۱۰. گاهی تقلید می‌کنند، شاید تقلید کنند (قَد + فعل مضارع (یُقَلِّدونَ))

۱۱. گزینهٔ «۲»: (با توجه به کلمهٔ «الطُّیور» که جمع مکسّر غیرعاقل است، فعل در صیغهٔ مفرد مؤنّث می‌آید؛ «تَلْجَأُ») ← ترجمهٔ عبارت: گاهی پرندگان به چاره‌اندیشی پناه می‌برند.

۱۲. گزینهٔ «۳»: گاهی یاد می‌کند (قَد + فعل مضارع (یَذْکُرُ))

۱۲ امر (۱) ۲۳ تکرار

• فعل امر، فعلی است که در آن به انجام دادن کاری دستور می‌دهیم.

اِجْلِسْ: بنشین / اُدْخُلوا: داخل شوید / أَرْسِلا: بفرستید

ساخت فعل امر از صیغه‌های مخاطب:

با حذف حرف مضارع «تـ» به ساکن می‌رسیم و برای سهولت تلفظ همزه می‌آوریم و سپس فعل‌های دارای «ـُـ» در انتهای فعل به ساکن ـْ و فعل‌هایی که «ن» دارند، «نونشون» حذف میشه به‌جز نون جمع مؤنث، (دقت کنین این تغییرات در فعل ثلاثی مجرد و فعل‌های ثلاثی مزید در باب‌های «اِسْتِفْعال، اِفْتِعال، اِنْفِعال، إفْعال» هست.)

یادتون باشه حرکت همزه متناسب با حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی فعل) هست. اگه ضمّه بود میشه ضمّه (ـُـ) و اگر کسره بود همون «ـِـ» ولی اگه فتحه بود میشه ـِ (کسره) فقط یک استثناء داریم و اون هم در باب «إفعال» هست که کسره به «فتحه» تبدیل میشه. پس همزهٔ فعل امر در باب «إفعال» همیشه مفتوح (ـَـ) هست.

﴿ ... اِرْجِعي إلی رَبِّكِ ... ﴾ (فعل امر از «تَرْجِعینَ»)	به سوی پروردگارت بازگرد.
﴿ وَ اسْتَعینوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ ﴾ فعل امر از «تَسْتَعینونَ»	و از بردباری و نماز یاری بجویید.

به وزن‌های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب‌های «اِسْتِفْعال، اِفْتِعال، اِنْفِعال، إفعال» دقت کنید تا آن‌ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید. (با ذکر یک نمونه فعل براتون توضیح دادیم.)

باب	ماضی	مضارع	مصدر	امر
اِسْتِفْعال	اِسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست)	یَسْتَغْفِرُ (آمرزش می‌خواهد)	اِسْتِغْفار (آمرزش خواستن)	اِسْتَغْفِرْ (آمرزش بخواه)
اِفْتِعال	اِمْتَنَعَ (خودداری کرد)	یَمْتَنِعُ (خودداری می‌کند)	اِمْتِناع (خودداری کردن)	اِمْتَنِعْ (خودداری کن)
اِنْفِعال	اِنْسَحَبَ (عقب‌نشینی کرد)	یَنْسَحِبُ (عقب‌نشینی می‌کند)	اِنْسِحاب (عقب‌نشینی کردن)	اِنْسَحِبْ (عقب‌نشینی کن)
إفْعال	أَجْلَسَ (نشانید)	یُجْلِسُ (می‌نشاند)	إجْلاس (نشاندن)	أَجْلِسْ (بنشان)

به فعل‌های ماضی و امر این چهار باب دقت کنید، حرکت عین‌الفعل (دومین حرف اصلی) در ماضی، فتحه (ـَـ) و در امر، کسره (ـِـ) است.

مِن فَضلِکُم اِجْتَهِدوا. (خرداد ۱۴۰۰) فعل امر از «تَجْتَهِدونَ»	لطفاً تلاش کنید.

«اِجْتَهِدوا» فعل امر (حرکت عین‌الفعل «کسره») هست.) و از باب «اِفْتِعال» است و نباید آن را با ماضی «اِجْتَهَدوا» اشتباه بگیرید.)

حالا به ساخت فعل امر باب‌های «مُفاعَلَة، تَفاعُل، تَفْعیل، تَفَعُّل» دقت کنید. (هنگام امر این فعل‌ها، زمانی که حرف مضارع «ت» را حذف می‌کنیم به راحتی می‌توانیم فعل را بخوانیم، بنابراین نیازی به همزهٔ فعل امر نداریم.)

تُجاهِدُ ← جاهِدْ (مبارزه کن) تُعَلِّمونَ ← عَلِّموا (یاد دهید)

به وزن‌های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب‌های «مُفاعَلَة، تَفاعُل، تَفْعیل، تَفَعُّل» دقت کنید تا آن‌ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید.

باب	مُفاعَلَة	تَفاعُل	تَفْعیل	تَفَعُّل
ماضی	کاتَبَ (نامه‌نگاری کرد)	تَقاعَدَ (بازنشسته شد)	عَلَّمَ (یاد داد)	تَذَکَّرَ (به یاد آورد)
مضارع	یُکاتِبُ (نامه‌نگاری می‌کند)	یَتَقاعَدُ (بازنشسته می‌شود)	یُعَلِّمُ (یاد می‌دهد)	یَتَذَکَّرُ (به یاد می‌آورد)
مصدر	مُکاتَبَة (نامه‌نگاری کردن)	تَقاعُد (بازنشسته شدن)	تَعلیم (یاد دادن)	تَذَکُّر (به یاد آوردن)
امر	کاتِبْ (نامه‌نگاری کن)	تَقاعَدْ (بازنشسته شو)	عَلِّمْ (یاد بده)	تَذَکَّرْ (به یاد آور)
توضیحات	به ماضی و امر دقت کنید.	مصدر را با فعل امر اشتباه نگیرید.	ماضی را با فعل امر اشتباه نگیرید.	به ماضی و مصدر و امر دقت کنید.

ایستگاه سؤال

تَرجِم الأفعالَ التّالیةَ:

۱. عَلِّمْني الكُتُبَ النّافِعَةَ. (اردیبهشت ۱۴۰۲)

۲. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← رَجاءً تَعَلَّموا العَرَبیَّةَ. (دی ۱۴۰۱)

۳. اِسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← اِسْتَغْفِرُوا اللّهَ جَمیعاً. (دی ۱۴۰۱)

۴. اِسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← اِسْتِغْفارُ النّاسِ مِنَ اللّهِ مَحمودٌ. (دی ۱۴۰۱)

۵. تَذَکَّرَ (به یاد آورد) ← أَیَّتُها الطّالِباتُ! تَذَکَّرْنَ الواجِباتِ. (شهریور ۱۴۰۱)

۶. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← مِنْ فَضْلِکُم اِجْتَهِدوا. (خرداد ۱۴۰۰)

۷. قاتَلَ (جنگید) ← قاتِلِ الأعْداءَ. (خرداد ۱۴۰۰)

۸. عامَلَ (رفتار کرد) ← المُعامَلَة. (شهریور ۹۹)

۹. شاهَدَ (دید) ← رَجاءً شاهِدوا. (خرداد ۹۹)

۱۰. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← الاِجْتِهاد. (خرداد ۹۹)

۱۱. ﴿هذا خَلْقُ اللّهِ فَأَروني ...﴾ (خرداد ۹۹)

۱۲. أَرْسَلَ (فرستاد) ← أَرْسِلْ. (دی ۹۹)

۱۳. أَیُّها النّاسُ، اِسْتَغْفِروا لِذُنوبِکُم. (خرداد ۹۸)

۱۴. ﴿أَحْسِنوا إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ المُحْسِنینَ﴾ (دی ۹۸ - دی ۹۷)

۱۵. عَمِلَ (عمل کرد) ← اِعْمَلوا. (دی خارج ۱۴۰۰)

۱۶. ذَکَرَ (یاد کرد) ← أُذْکُروا رَبَّکُم. (دی خارج ۱۴۰۰)

۱۷. أَرْسَلَ (فرستاد) ← أَرْسِلوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۱۸. تَذَکَّرَ (به یاد آورد) ← رَجاءً تَذَکَّرْ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۱۹. أَرْسَلَ (فرستاد) ← أَرْسِلوا الکِتابَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۲۰. اِسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← اِسْتَغْفِرْ. (دی خارج ۹۹)

۲۱. رَجاءً تَناصَروا مَعَ أَصْدقائِکُم. (خرداد خارج ۹۹)

اِنْتَخِب الفعلَ المُناسِبَ للفراغ:

۲۲. یا أَیُّها الحارِسُ! ..... عَنِ النَّوم. (دی ۱۴۰۱)

○ ۱) اِمْتَنَعَ ○ ۲) یَمْتَنِعُ ○ ۳) اِمْتَنِعْ

۲۳. «یا أَیُّها النّاسُ ..... رَبَّکُمُ الَّذي خَلَقَکُم» (شهریور ۱۴۰۰)

○ ۱) أَعْبُدْنَ ○ ۲) أَعْبُدوا ○ ۳) یَعْبُدْنَ

پاسخ سؤالات

۱. «عَلِّمْ: یاد بده» (فعل امر از باب «تَفْعیل» است.)

۲. «تَعَلَّموا: بیاموزید، یاد بگیرید» فعل امر از باب «تَفَعُّل» است. (دقت کنین «تَعَلَّموا» می‌تونه ماضی هم باشه (: فراگرفتند) ولی با توجه به کلمهٔ «رَجاءً: لطفاً» که معنای درخواست کاری را می‌ده، این فعل در معنای امر هست.)

۳. «اِسْتَغْفِروا: آمرزش بخواهید» فعل امر است (عین‌الفعل آن کسره دارد.) و نباید آن را با فعل ماضی «اِسْتَغْفَروا: آمرزش خواستند» اشتباه گرفت.

۴. «اِسْتِغْفار» مصدر باب «اِسْتِفْعال» و به معنای «آمرزش خواستن» است.

۵. «تَذَکَّرْنَ: به یاد آورید» فعل امر از باب «تَفَعُّل» است. (دقت کنید که فعل «تَذَکَّرْن: به یاد آوردند» ماضی هم می‌تواند باشد ولی با توجه به ندایی بودن جمله «أَیَّتُها ...»، این فعل، امر است.)

۶. «اِجْتَهِدوا» فعل امر از باب «اِفْتِعال» و به معنای «تلاش کنید» است. («اِجْتَهَدوا: تلاش کردند» ماضی است.)

۷. «قاتِل: بجنگ» فعل امر از باب «مُفاعَلَة» است.

۸. «المُعامَلَة» مصدر باب «مُفاعَلَة» و به معنای «رفتار کردن» است.

۹. «شاهِدوا: مشاهده کنید، ببینید» فعل امر است (عین‌الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با «شاهَدوا: مشاهده کردند، دیدند» که ماضی است اشتباه گرفت.

۱۰. «الاِجْتِهاد» مصدر باب «اِفْتِعال» و به معنای «تلاش کردن» است.

۱۱. «أَروا: نشان دهید» فعل امر از «تَرونَ» است.

۱۲. «أَرْسِلْ» فعل امر از باب «إِفْعال» به معنای «بفرست» است.

۱۳. «اِسْتَغْفِروا: آمرزش بخواهید» فعل امر است (عین‌الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با فعل ماضی «اِسْتَغْفَروا: آمرزش خواستند» اشتباه گرفت.

۱۴. «أَحْسِنوا: نیکی کنید» فعل امر از باب «إِفْعال» است. («أَحْسَنوا: نیکی کردند» فعل ماضی است.)

۱۵. «اِعْمَلوا» فعل امر و به معنای «عمل کنید» است.

۱۶. «أُذْکروا» فعل امر و به معنای «یاد کنید» است.

۱۷. «أَرْسِلوا» فعل امر از باب «إِفْعال» و به معنای «بفرستید» است. («أَرْسَلوا: فرستادند»، فعل ماضی است.)

۱۸. «تَذَکَّرْ: به یاد آور» فعل امر از باب «تَفَعُّل» است.

۱۹. «أَرْسِلوا: بفرستید» فعل امر از باب «إِفْعال» است.

۲۰. «اِسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه» فعل امر از باب «اِسْتِفْعال» است. («اِسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست»، فعل ماضی است.)

۲۱. «تَناصَروا: همیاری کنید» فعل امر از باب «تَفاعُل» است. (دقت کنین «تَناصَروا» می‌تونه ماضی هم باشه (:همیاری کردند)؛ ولی با توجه به کلمهٔ «رَجاءً: لطفاً» که معنای درخواست کاری را می‌دهد و نیز ضمیر متّصل «کُم» در «أَصْدِقائِکُم» که بر مخاطب دلالت دارد، این فعل در معنای امر است.)

۲۲. گزینهٔ «۳»: «اِمْتَنِعْ» فعل امر از باب «اِفْتِعال» است و با توجه به «أَیُّها الحارِسُ» که بر مفرد مذکّر مخاطب دلالت دارد، در صیغهٔ «للمخاطب» آمده است.

۲۳. گزینهٔ «۲»: «یا أَیُّها النّاسُ ...» بر جمع مذکّر مخاطب دلالت دارد؛ بنابراین فعل امر «أُعْبُدوا» در همین صیغه مناسب جای خالی است.

۱۳ امر (۲) ۹ تکرار

ساخت فعل امر از صیغه‌های غایب و متکلّم:

- حرف «لِـ: باید» بر سر فعل‌های غایب و متکلّم نیز نوعی دیگر از فعل امر به‌شمار می‌رود. (دقت کنین که «لِـ» امر غایب و متکلّم، آخر فعل را ساکن می‌کنه و نون‌دارها، نونشون حذف میشه به‌جز نون جمع مؤنّث.)

لِیَرْجِعْ ← باید برگردد (لِـ + فعل مضارع غایب)

لِأَبْحَثْ ← باید جست‌وجو کنم (لِـ + فعل مضارع متکلّم)

این نوع از فعل امر به‌صورت زیر ترجمه می‌شود:

باید + مضارع التزامی

ایستگاه سؤال

تَرجِم الأَفعالَ التّالیَةَ:

۱. ساعَدَ (کمک کرد) ← الأَغنیاءُ لِیُساعِدوا الفُقَراءَ. (دی ۱۴۰۱)

۲. صَنَعَ (ساخت) ← النَّجّارُ لِیَصْنَعْ مِنْضَدَةً. (خرداد ۱۴۰۱)

۳. تَذَکَّرَ (به یاد آورد) ← لِیَتَذَکَّرْ دَرسَهُ. (دی ۱۴۰۰)

۴. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لِیَجْتَهِدْ. (خرداد خارج ۹۹)

۵. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لِنَمْتَنِعْ. (آذر ۱۴۰۱)

۶. نَجَحَ (موفّق شد) ← لِیَنْجَحْ. (شهریور ۹۸)

۷. ساعَدَ (کمک کرد) ← هُوَ لِیُساعِدْ. (شهریور ۹۹)

۸. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لِیُرْسِلْ. (دی ۹۹)

۹. لِنَقْرَأْ هذِهِ القِّصَّةَ لِکَیْ نَطَّلِعَ عَلَی أَفعالِ الإِنْسانِ. (خرداد ۹۸ - دی خارج ۱۴۰۰)

پاسخ سؤالات

۱. باید کمک کنند (لِـ + فعل مضارع غایب (یُساعِدونَ) ← لِیُساعِدوا (امر غایب) ← مضارع التزامی)

۲. باید بسازد (لِـ + فعل مضارع غایب (یَصْنَعُ) ← لِیَصْنَعْ (امر غایب) ← مضارع التزامی)

۳. باید به یاد بیاورد (لِـ + فعل مضارع غایب (یَتَذَکَّرُ) ← لِیَتَذَکَّرْ (امر غایب) ← مضارع التزامی)

۴. باید بکوشد (تلاش کند) (لِـ + فعل مضارع غایب (یَجْتَهِدُ) ← لِیَجْتَهِدْ (امر غایب) ← مضارع التزامی)

۵. باید خودداری کنیم (لِـ + فعل مضارع متکلّم (نَمْتَنِعُ) ← لِنَمْتَنِعْ (امر غایب) ← مضارع التزامی)

۶. باید موفّق شود (لِـ + فعل مضارع غایب (یَنْجَحُ) ← لِیَنْجَحْ (امر غایب) ← مضارع التزامی)

۷. باید کمک کند (لِـ + فعل مضارع غایب (یُساعِدُ) ← لِیُساعِدْ (امر غایب) ← مضارع التزامی)

۸. باید بفرستد (لِـ + فعل مضارع غایب (یُرْسِلُ) ← لِیُرْسِلْ (امر غایب) ← مضارع التزامی)

۹. باید بخوانیم (لِـ + فعل مضارع متکلّم (نَقْرَأُ) ← لِنَقْرَأْ (امر غایب) ← مضارع التزامی)

۱۴ معلوم و مجهول ۱۳ تکرار

- **فعل معلوم**: فعلی است که فاعل آن در جمله مشخص و معلوم باشد.

أَکَلَ الطِّفْلُ طَعامَهُ. (فعل معلوم، فاعل) — کودک غذایش را خورد.

- **تشخیص فعل ماضی مجهول**

حرف ما قبل آخر: کسره (ـِ)

حروف حرکت‌دار قبل از حرف آخر: ضمّه (ـُ)

کَتَبَ (مجهول) ← کُتِبَ (نوشته شد)

اِکْتَسَبَ (مجهول) ← اُکْتُسِبَ (به‌دست آورده شد)

- **تشخیص فعل مضارع مجهول**

حرف ما قبل آخر: فتحه (ـَ)

حرف مضارعه: ضمّه (ـُ)

یَکْتُبُ (مجهول) ← یُکْتَبُ (نوشته می‌شود)

- در ترجمهٔ فعل ماضی مجهول از فعل کمکی «شدن» استفاده می‌کنیم.

نُصِبَ لَه مِنْبَرٌ. (ماضی مجهول) — منبری برایش نصب شد. (برپا شد)

- در ترجمهٔ فعل مضارع مجهول از فعل «می‌شود» و مشتقات آن استفاده می‌کنیم.

عِنْدَ الشَّدائِدِ یُعْرَفُ الإِخْوانُ. (مضارع مجهول) — هنگام سختی‌ها، برادران شناخته می‌شوند.

ایستگاه سؤال

تَرجِم الأَفعالَ التّالیَةَ:

۱. أمر أنوشِروانُ أن یُعْطَی لِلفَلّاحِ ألف دینارٍ. (اردیبهشت ۱۴۰۲ - دی ۹۸)

۲. لا تَظْلِمْ کَما لا تُحِبُّ أن تُظْلَمَ. (اردیبهشت ۱۴۰۲)

۳. شَجَّعَ (تشویق کرد) ← التِّلْمیذاتُ یُشَجِّعْنَ في الصَّفِّ. (خرداد ۱۴۰۱)

۴. غَفَرَ (آمرزید) ← لا یُغْفَرُ المُخْطِئُ. (دی ۱۴۰۰)

۵. ﴿خُلِقَ الْإِنسانُ ضَعیفاً﴾ (دی ۱۴۰۰)

۶. قَطَعَ (برید) ← قُطِعَتْ شَجَرَةٌ. (شهریور ۱۴۰۰)

۷. خَلَقَ (آفرید) ← خُلِقَ. (دی ۹۹)

۸. یُحْکَی أَنَّ مُزارِعاً کانَتْ لَهُ مَزْرَعَةٌ کَبیرَةٌ. (دی ۹۹)

۹. قَطَعَ (بُرید) ← ماقُطِعَ رَجائي. (دی خارج ۱۴۰۰)

۱۰. تُمْنَحُ جائِزَةُ نوبِلَ إلی مَنْ یُفیدُ البَشَرِیَّةَ. (خرداد خارج ۹۹)

۱۱. بِالتَّعلیمِ أُرْسِلْتُ. (دی ۹۷ - دی خارج ۹۷)

اِنْتَخِب الصَّحيح للفراغ:

۱۲. ﴿نُزِّلَ المَلائكَةُ تَنزيلاً﴾ (خرداد ۹۹)

○ ۱) فرود آورده شدند

○ ۲) فرود آورده می‌شوند

○ ۳) فرود آمدند

۱۳. كَأَنَّ إرْضاءَ جَميعِ النّاسِ غايَةٌ لا ..... . (خرداد خارج ۱۴۰۰)

○ ۱) يُدْرَكُ ○ ۲) تُدْرَكُ ○ ۳) يُدْرَكونَ

پاسخ سؤالات

۱. داده شود («يُعْطَى» فعل مضارع مجهول است.)
۲. ستم‌دیده شوی («أن تُظْلَمَ» فعل مضارع مجهول است.)
۳. تشویق می‌شوند («يُشَجَّعْنَ» فعل مضارع مجهول است.)
۴. آمرزیده نمی‌شود («لايُغْفَرُ» فعل مضارع منفی مجهول است.)
۵. آفریده شد («خُلِقَ» فعل ماضی مجهول است.)
۶. بُریده شد («قُطِعَتْ» فعل ماضی مجهول است.)
۷. آفریده شد («خُلِقَ» فعل ماضی مجهول است.)
۸. حکایت می‌شود («يُحْكىٰ» فعل مضارع مجهول است.)
۹. بُریده نشد («ما قُطِعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)
۱۰. داده می‌شود، بخشیده می‌شود («تُمْنَحُ» فعل مضارع مجهول است.)
۱۱. فرستاده شدم («أُرْسِلْتُ» فعل ماضی مجهول است.)
۱۲. گزینهٔ «۱»: فرود آورده شدند («نُزِّلَ» فعل ماضی مجهول است.)
۱۳. گزینهٔ «۲»: درک نمی‌شود، به‌دست آورده نمی‌شود («لا تُدْرَكُ» فعل مضارع منفی مجهول است و با توجه به کلمهٔ «غايَةٌ» که مفرد مؤنّث آمده، فعل نیز در همین صیغه (مفرد مؤنّث) می‌آید.)

۱۰ نون وقایه ۹ تکرار

• هرگاه فعلی (ماضی، مضارع، امر) به ضمیر «ي» متّصل شود میانشان «نون» می‌آید که به آن «وقایه» گفته می‌شود.

أَخَذَ + ن (وقایه) + ي ← أَخَذَني (مرا بُرد)

• ضمیر متّصل «ي» پس از «نون وقایه» مفعول است و به‌صورت «مرا / به من» ترجمه می‌شود.

أَرْشِدْني ← مرا راهنمایی کن.
فعل + ن + ي

ماضی / مضارع / امر + ن + ي ← ترجمهٔ ضمیر «ي» (به من، مرا)

فعل‌هایی که «نون» آخرین حرف اصلی آن‌هاست مانند «يَحْزُنُ، سَكَنَ، يَقِنَ، حَسِنَ و ...» فقط هنگامی «نون» وقایه دارند که علاوه بر «نون» خود، حرف «نون» دیگری هم داشته باشند.

لا تَحْزَني (غمگین نشو)	
«ن» جزو خود کلمه است و ضمیر «ي» مفعول ترجمه نمی‌شود؛ بلکه فاعل هست.	
يا أُختي الكريمَةَ أَحْسِني إلى المَساكينَ.	ای خواهر بخشنده‌ام به بیچارگان نیکی کن.

فعل «أَحْسِني» امر از «تُحْسِنينَ» می‌باشد و ریشه فعل «حَسِنَ» هست، پس «نون» جزو ریشه اصلی فعله و چون «ن» دیگری نداریم ضمیر «ي» ضمیر متصل فاعلی هست.

لا يَحْزُنني (مرا غمگین نمی‌کند)	
«ن» دوم وقایه است و ضمیر «ي» مفعول است و «مرا» ترجمه می‌شود.	
أَعِنّي (کمکم کن، به من کمک کن) ← **أَعِنْ** (فعل امر) + **ن + ي (أَعِنّي)**	
بنابراین با توجه به «نّ» متوجه می‌شویم که نون دوم وقایه است. (عَوَنَ)	

ایستگاه سؤال

تَرجِم الأَفعالَ التّالِيَةَ:

۱. ساعَدَ (کمک کرد) ← الطُّلّابُ ساعَدوني. (دی ۱۴۰۱)

۲. حَفِظَ (حفظ کرد) ← قَد حَفِظَني إيماني. (خرداد ۹۹)

۳. عامَلَ (رفتار کرد) ← عامِلْني. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۴. عَلَّمَ (یاد داد) ← عَلِّمْني عِلمَكَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۵. ساعَدَ (کمک کرد) ← رَجاءً ساعِدْني. (دی خارج ۱۴۰۰- دی ۱۴۰۰)

۶. ساعَدَ (کمک کرد) ← رَجاءً ساعِدوني. (خرداد خارج ۹۸)

۷. ساعَدَ (کمک کرد) ← هُم ساعَدوني. (دی خارج ۹۸- تیر ۹۸)

۸. أَعينوني بِوَرَعٍ وَ اجْتِهادٍ. (دی خارج ۹۷)

۹. عَيِّنْ نونَ الوقايَة: (خرداد ۱۴۰۱)

○ ۱) إحْمِني مِنْ شُرورِ الحادِثاتِ.

○ ۲) أَيَّتُها الطّالِبَةُ! لا تَحْزَني في حَياتِكِ.

پاسخ سؤالات

۱. به من کمک کردند
(ساعَدوا (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متّصل))
۲. مرا حفظ کرده است
(قد حَفِظَ (ماضی نقلی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متّصل))
۳. با من رفتار کن
(عامِلْ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متّصل))
۴. به من یاد بده
(عَلِّمْ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متّصل))
۵. به من کمک کن
(ساعِدْ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متّصل))
۶. به من کمک کنید
(ساعِدوا (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متّصل))
۷. به من کمک کردند
(ساعَدوا (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متّصل))
۸. مرا یاری دهید
(أَعينوا (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متّصل))
۹. گزینهٔ «۱»: مرا حفظ کن (إحْمِ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متّصل))

بررسی گزینهٔ (۲):

«لا تَحْزَني» فعل نهی از «تَحْزَنينَ» است و «ن» در آن جزء ریشهٔ فعل است و وقایه نمی‌باشد. (حَزِنَ: ریشهٔ فعل)

قسمت ۲

تمارین کتاب درسی

الدَّرْسُ الأَوَّلُ | التَّمرينُ الْخامِسُ

الف) رَجاءً، أُكْتُبْنَ حَلَّ الأَسئِلَةِ مَعَ زَميلاتِكُنَّ.	۱ لطفاً حلّ پرسش ها را با هم‌کلاسی‌هایتان بنویسید.
ب) إِنْ تَكْتُبْ بِعَجَلَةٍ، فَسَيُصْبِحُ خَطُّكَ قَبيحاً.	۲ اگر با عجله بنویسی خطت زشت خواهد شد.
ج) أُريدُ أَنْ أَكْتُبَ ذِكرى في دَفتَرِ الذِّكْرَياتِ.	۳ می‌خواهم [که] خاطره‌ای در دفترِ خاطرات بنویسم.
د) لَن يَكْتُبَ العاقِلُ عَلَى الآثارِ التّاريخيَّةِ.	۴ [انسانِ] خردمند، روی آثارِ تاریخی نخواهد نوشت.
ه) إِنَّهُ سَوفَ يَكْتُبُ أَفْكارَهُ عَلَى الوَرَقَةِ.	۵ قطعاً او اندیشه‌هایش را روی کاغذ خواهد نوشت.
و) عِندَما شاهَدْتُهُ كانَ يَكْتُبُ تَمرينَهُ.	۶ هنگامی‌که او را دیدم، تمرینش را می‌نوشت.
ز) قَدْ يَكْتُبُ الْكَسولُ تَمارينَ الدَّرسِ.	۷ تنبل، تمرین‌های درس را گاهی می‌نویسد (شاید بنویسد).
ح) يا تَلاميذُ، لِمَ لا تَكْتُبونَ التَّرجَمَةَ؟	۸ ای دانش‌آموزان، چرا ترجمه را نمی‌نویسید؟
ط) رَجاءً، لا تَكتُبوا عَلى جِلدِ الكِتابِ.	۹ لطفاً روی جلدِ کتاب ننویسید.
ی) هِيَ قَد كَتَبَتْ رِسالَةً لِصَديقَتِها.	۱۰ او نامه‌ای به دوستش نوشته است.
ک) لِنَكْتُبْ جُمَلاً جَميلَةً في دَفاتِرِنا.	۱۱ در دفترهایمان جمله‌هایی زیبا باید بنویسیم.
ل) أَنا لَم أَكْتُبْ واجِباتي أَمسِ.	۱۲ من دیروز تکلیف‌هایم را ننوشتم (ننوشته‌ام).
م) ما كَتَبْنا شَيئاً عَلَى الجِدارِ.	۱۳ روی دیوار چیزی ننوشتیم.
ن) كُتِبَ حَديثٌ عَلَى اللَّوحِ.	۱۴ حدیثی روی تخته نوشته شد.
س) كانوا يَكْتُبونَ الأَجوِبَةَ.	۱۵ جواب‌ها را می‌نوشتند.
ع) كانوا قَد كَتَبوا دَرسَهُم.	۱۶ درسشان را نوشته بودند.
ف) يُكْتَبُ نَصٌّ قَصيرٌ.	۱۷ متنی کوتاه نوشته می‌شود.

نکات ترجمه

۱ «اُكْتُبْنَ» فعل امر از «تَكْتُبونَ» است.

۲ «إِنْ: اگر» ← ادات شرط / «تَكْتُبْ» فعل شرط است و مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

۳ أَن + فعل مضارع (أَكْتُبَ) ← مضارع التزامی

۴ لَن + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← لَن يَكْتُبَ ← (مستقبل منفی)

۵ سَوفَ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← مستقبل

۶ كانَ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← ماضی استمراری

۷ قَد + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.

۸ «لا»ی نفی + فعل مضارع تغییرنیافته (تَكْتُبونَ) ← مضارع منفی

۹ «لا»ی نهی + فعل مضارع تغییریافته (تَكْتُبوا) ← نهی

۱۰ قَد + فعل ماضی (كَتَبَتْ) ← ماضی نقلی

۱۱ لِ (امر) + فعل متکلّم (نَكْتُبُ) ← لِنَكْتُبْ ← باید + مضارع التزامی

۱۲ لَم + فعل مضارع (أَكْتُبُ) ← لَم أَكْتُبْ ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی

۱۳ ما + فعل ماضی (كَتَبْنا) ← ماضی منفی

۱۴ «كُتِبَ» بر وزن «فُعِلَ» فعل ماضی مجهول است.

۱۵ كانوا + فعل مضارع (يَكْتُبونَ) ← ماضی استمراری

۱۶ كانوا + قَد + فعل ماضی (كَتَبوا) ← ماضی بعید

۱۷ «يُكْتَبُ» بر وزن «يُفْعَلُ» فعل مضارع مجهول است.

الدَّرْسُ الثّاني | التَّمرينُ السّادِسُ

الف) كَتَبَ: نوشت	۱ قَدْ كُتِبَ التَّمرينُ: تمرین نوشته شد. ۲ لِمَ لا تَكْتُبينَ دَرْسَكِ؟ چرا درست را نمی‌نویسی؟ ۳ لَمْ تَكْتُبي شَيْئاً: چیزی را ننوشتی (ننوشته‌ای)
ب) تَكاتَبَ: نامه‌نگاری کرد	۴ اَلصَّديقانِ تَكاتَبا: دو دوست با یکدیگر نامه نگاری کردند. ۵ رَجاءً تَكاتَبا: لطفا با یکدیگر نامه‌نگاری کنید. ۶ تَكاتَبَ الزَّميلانِ: دو همکلاسی با یکدیگر نامه‌نگاری کردند.
ج) مَنَعَ: بازداشت، منع کرد	۷ مُنِعْتُ عَنِ الْمَوادِّ السُّكَّرِيَّةِ: از مواد قندی منع شدم. ۸ لا تَمْنَعْنا عَنِ الخُروجِ: ما را از بیرون رفتن منع نکن (باز ندار).
د) اِمْتَنَعَ: خودداری کرد	۹ لَنْ نَمْتَنِعَ عَنِ الْخُروجِ: از بیرون رفتن خودداری نخواهیم کرد. ۱۰ لا تَمْتَنِعوا عَنِ الْأَكْلِ: از خوردن خودداری نکنید. ۱۱ كانَ الْحارِسُ قَدِ امْتَنَعَ عَنِ النَّومِ: نگهبان از خواب خودداری کرده بود.
ه) عَمِلَ: کار کرد، عمل کرد	۱۲ لِمَ ما عَمِلْتُم بِواجِباتِكُم؟: چرا به وظایفتان عمل نکردید؟ ۱۳ أَ تَعْمَلونَ في الْمَصْنَعِ؟: آیا در کارخانه کار می‌کنید؟
و) عامَلَ: رفتار کرد	۱۴ إلهي، عامِلْنا بِفَضْلِكَ! خدایا! با بخشش خود با ما رفتار کن. ۱۵ إلهي، لا تُعامِلْنا بِعَدْلِكَ! خدایا! با دادگری‌ات با ما رفتار نکن. ۱۶ كانوا يُعامِلونَنا جَيِّداً: به خوبی با ما رفتار می‌کردند.
ز) ذَكَرَ: یاد کرد	۱۷ قَدْ ذَكَرَ الْمُؤمِنُ رَبَّهُ: مؤمن پروردگارش را یاد کرده است. (یاد کرد) ۱۸ ذُكِرْتَ بِالْخَيْرِ: به نیکی یاد شدی. ۱۹ قَدْ يَذْكُرُ الأُسْتاذُ تَلاميذَهُ الْقُدَماءَ: گاهی استاد دانش‌آموزان قدیمش را یاد می‌کند. (شاید ... یاد بکند)
ح) تَذَكَّرَ: به یاد آورد	۲۰ جَدّي وَ جَدَّتي تَذَكَّراني: پدربزرگ و مادربزرگم مرا به یاد آوردند. ۲۱ سَيَتَذَكَّرُنا الْمُدَرِّسُ: معلّم ما را به یاد خواهد آورد. ۲۲ لا أَتَذَكَّرُكَ يا زَميلي: همکلاسی‌ام، تو را به یاد نمی‌آورم.

نکات ترجمه

۱ قَد + فعل ماضی مجهول (كُتِبَ) ← ماضی نقلی مجهول

۲ «لا»ی نفی + فعل مضارع (تَكْتُبينَ) ← مضارع منفی

۳ لَم + فعل مضارع تغییریافته (تَكْتُبي) ← ماضی منفی ـ ماضی نقلی منفی

۴ «تَكاتَبا» فعل ماضی از باب «تَفاعُل» است.

۵ «تَكاتَبا» فعل امر از باب «تَفاعُل» است.

۶ «تَكاتَبَ» فعل ماضی از باب «تَفاعُل» است.

۷ «مُنِعْتُ» فعل ماضی مجهول است.

۸ «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییریافته (تَمْنَعْ) ← نهی

۹ لَن + فعل مضارع (نَمْتَنِعَ) ← مستقبل منفی

۱۰ «لا»ی نهی + فعل مضارع تغییریافته (تَمْتَنِعوا) ← نهی

۱۱ كانَ + (قَد) + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید

۱۲ ما + فعل ماضی (عَمِلْتُم) ← ماضی منفی

۱۳ «تَعْمَلونَ» فعل مضارع جمع مذکّر مخاطب است.

۱۴ «عامِلْ» فعل امر از باب «مُفاعَلَة» است.

۱۵ «لا»ی نهی + فعل تغییریافته مضارع (تُعامِلْ) ← نهی

۱۶ كانوا + فعل مضارع (يُعامِلونَ) ← ماضی استمراری

۱۷ قَد + فعل ماضی (ذَكَرَ) ← ماضی نقلی یا ساده

۱۸ «ذُكِرْتَ» فعل ماضی مجهول است.

۱۹ قَد + فعل مضارع (يَذْكُرُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.

۲۰ فعل ماضی (تَذَكَّرا) از باب «تَفَعُّل» + ن (وقایه) + ضمیر متّصل «ي»

۲۱ سَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُ) ← مستقبل

۲۲ «لا»ی نفی + فعل مضارع (أَتَذَكَّرُ) ← مضارع منفی

الدَّرْسُ الثّالِثُ | التَّمرينُ الخامِسُ

الف) تَفَتَّرِحْنَ: پیشنهاد می‌دهید	۱ رَجاءً اِفْتَرِحْنَ: لطفاً پیشنهاد دهید.
ب) تَبْتَعِدُ: دور می‌شوی	۲ لا تَبْتَعِدْ: دور نشو.
ج) تُسْرِعُ: می‌شتابی	۳ أَسْرِعْ: بشتاب.
د) يَعتَذِرُ: پوزش می‌خواهد	۴ أَعْتَذِرُ: پوزش می‌خواهم.
ه) قاتَلَ: جنگید	۵ لا يُقاتِلْ: نباید بجنگد.
و) اِسْتَهْلَكَ: مصرف کرد	۶ ما اسْتَهْلَكْنا: مصرف نکردیم.
ز) اِنْفَتَحَ: گشوده شد	۷ لَمْ يَنْفَتِحْ: گشوده نشد، گشوده نشده است.
ح) تَظاهَرَ: وانمود کرد	۸ لا تَتَظاهَرُ: وانمود نمی‌کند، وانمود نمی‌کنی.
ط) تَوَكَّلَ: توکّل کرد	۹ سَنَتَوَكَّلُ: توکّل خواهیم کرد.
ی) عَلِّمْ: آموزش بده	۱۰ عَلِّمْني: به من [مرا] آموزش بده.
ک) يَرْجِعُ: برمی‌گردد	۱۱ لَنْ يَرْجِعَ: برنخواهد گشت.
ل) يَنْجَحُ: موفّق می‌شود	۱۲ لِيَنْجَحْ: باید موفّق شود.

نکات ترجمه

۱ فعل امر از باب «اِفْتِعال» ← صیغهٔ جمع مذکّر مخاطب

۲ «لا»ی نهی + فعل مضارع تغییریافته (تَبْتَعِدْ) ← نهی

۳ فعل امر از باب «إِفْعال» صیغهٔ مفرد مذکّر مخاطب

۴ فعل مضارع صیغهٔ متکلّم وحده از باب «اِفْتِعال»

۵ «لا»ی نهی + فعل غایب (يُقاتِلُ) ← لا يُقاتِلْ ← نباید + مضارع التزامی

۶ ما + فعل ماضی (اِسْتَهْلَكْنا) ← ماضی منفی

۷ لَمْ + فعل مضارع تغییریافته (يَنْفَتِحُ) ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی

۸ «لا»ی نفی + فعل مضارع (تَتَظاهَرُ) ← مضارع منفی

۹ سَ + فعل مضارع (نَتَوَكَّلُ) ← مستقبل

۱۰ فعل امر (عَلِّمْ) از باب «تَفْعیل» + ن (وقایه) + ضمیر متّصل «ي»

۱۱ لَنْ + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← مستقبل منفی

۱۲ لِ + فعل مضارع غایب (يَنْجَحُ) ← لِيَنْجَحْ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی

الدَّرْسُ الرّابِعُ | التَّمرينُ الثّالِثُ

۱ قَدْ أَرْسَلَ: فرستاده است
۲ سَوفَ يُرْسِلُ: خواهد فرستاد
۳ أَرْسِلوا: بفرستید
۴ إرْسال: فرستادن
۵ اِنْتَبَهَ: آگاه شد
۶ سَتَنْتَبِهونَ: آگاه خواهید شد
۷ اِنْتَبِهوا: آگاه شوید
۸ اِنْتِباه: آگاه شدن
۹ اِنْسَحَبْتُم: عقب‌نشینی کردید
۱۰ لا يَنْسَحِبُ: عقب‌نشینی نمی‌کند
۱۱ لا تَنْسَحِبْ: عقب‌نشینی نکن
۱۲ اِنْسِحاب: عقب‌نشینی کردن
۱۳ مَا اسْتَرْجَعَ: پس نگرفت
۱۴ يَسْتَرْجِعُ: پس می‌گیرد
۱۵ لا تَسْتَرْجِعي: پس نگیر
۱۶ اِسْتِرْجاع: پس گرفتن
۱۷ ما جادَلَ: بحث نکرد
۱۸ لَمْ يُجادِل: بحث نکرد، بحث نکرده است
۱۹ لا تُجادِلوا: بحث نکنید
۲۰ مُجادَلَة: بحث کردن
۲۱ تَذَكَّرَ: به یاد آورد
۲۲ يَتَذَكّرانِ: به یاد می‌آورند
۲۳ تَذَكَّرْ: به یاد آور
۲۴ تَذَكُّرْ: به یاد آوردن
۲۵ تَناصَروا: همیاری کردند
۲۶ تَتَناصَرونَ: همیاری می‌کنید
۲۷ رَجاءً تَناصَروا: لطفاً همیاری کنید
۲۸ تَناصُرْ: همیاری کردن
۲۹ قَدْ سَجَّلَ: ضبط کرده است
۳۰ تُسَجِّلينَ: ضبط می‌کنی
۳۱ سَجِّلْ: ضبط کن
۳۲ تَسْجيل: ضبط کردن

نکات ترجمه

۱ قَد + فعل ماضی (أَرْسَلَ) ← ماضی نقلی
۲ سَوف + فعل مضارع (يُرْسِلُ) ← مستقبل
۳ «أَرْسِلوا» فعل امر از باب «إفْعال» و صیغهٔ جمع مذکّر مخاطب است.
۴ مصدر باب «إفْعال» است.
۵ فعل ماضی از باب «اِفْتِعال» و صیغهٔ مفرد مذکّر غایب است.
۶ سَ + فعل مضارع (تَنْتَبِهونَ) ← مستقبل
۷ «اِنْتَبِهوا» فعل امر از باب «اِفْتِعال» و صیغهٔ جمع مذکّر مخاطب است.
۸ مصدر باب «اِفْتِعال» است.
۹ فعل ماضی از باب «اِنْفِعال» و صیغهٔ جمع مذکّر مخاطب است.
۱۰ «لا»ی نفی + فعل مضارع (يَنْسَحِبُ) ← مضارع منفی
۱۱ «لا» نهی + فعل مضارع تغییریافته (تَنْسَحِبْ) ← نهی
۱۲ مصدر باب «اِنْفِعال»
۱۳ ما + فعل ماضی (اِسْتَرْجَعَ) ← ماضی منفی
۱۴ فعل مضارع از باب «اِسْتِفعال» و صیغهٔ مفرد مذکّر غایب است.
۱۵ «لا»ی نهی + فعل مضارع تغییریافته (تَسْتَرْجِعينَ) ← لا تَسْتَرجِعي ← نهی
۱۶ مصدر باب «اِسْتِفْعال» است.
۱۷ ما + فعل ماضی (جادَلَ) ← ماضی منفی
۱۸ لَمْ + فعل مضارع تغییریافته (يُجادِلْ) ← ماضی منفی ـ ماضی نقلی منفی
۱۹ «لا»ی نهی + فعل مضارع تغییریافته (تُجادِلونَ) ← لا تُجادِلوا ← نهی
۲۰ مصدر باب «مُفاعَلَة» است.
۲۱ فعل ماضی باب «تَفَعُّل» و صیغهٔ مفرد مذکّر غایب است.
۲۲ فعل مضارع باب «تَفَعُّل» و صیغهٔ مثنّای مذکّر غایب است.
۲۳ فعل امر از باب «تَفَعُّل» و صیغهٔ مفرد مذکّر مخاطب است.
۲۴ مصدر باب «تَفَعُّل» است.
۲۵ فعل ماضی از باب «تَفاعُل» و صیغهٔ جمع مذکّر غایب است.
۲۶ فعل مضارع از باب «تَفاعُل» و صیغهٔ جمع مذکّر مخاطب است.
۲۷ فعل امر از باب «تَفاعُل» و صیغهٔ جمع مذکّر مخاطب است.
۲۸ مصدر باب «تَفاعُل» است.
۲۹ قَدْ + فعل ماضی (سَجَّلَ) ← ماضی نقلی
۳۰ فعل مضارع از باب «تَفعيل» و صیغهٔ مفرد مؤنّث مخاطب است.
۳۱ فعل امر از باب «تَفْعيل» و صیغهٔ مفرد مذکّر مخاطب است.
۳۲ مصدر باب «تَفْعيل» است.

الدَّرْسُ الْخامِسُ | التَّمرينُ الثّالِثُ

۱ هُوَ قَدْ رَجَعَ: او برگشته است.
۲ هُوَ قَدْ يَرْجِعُ: او شاید برگردد، او گاهی برمی‌گردد.
۳ هُوَ لا يَرْجِعُ: او برنمی‌گردد.
۴ هُوَ كانَ قَدْ رَجَعَ: او برگشته بود.
۵ هُوَ يُريدُ أن يَرْجِعَ: او می‌خواهد که برگردد.
۶ رَجاءً؛ اِرْجِعْ: لطفاً برگرد.
۷ مِنْ فَضْلِكَ؛ لا تَرْجِعْ: لطفاً برنگرد.
۸ هُوَ سَيَرْجِعُ: او باز خواهد گشت.
۹ هُوَ سَوفَ يَرْجِعُ: او باز خواهد گشت.
۱۰ هُوَ لَن يَرْجِعَ: او باز نخواهد گشت.
۱۱ هُوَ لَمْ يَرْجِعْ: او برنگشت، او برنگشته است.
۱۲ هُوَ ما رَجَعَ: او بازنگشت.
۱۳ إن تَرْجِعْ أَرْجِعْ: اگر باز گردی، برمی‌گردم.
۱۴ هُوَ كانَ يَرْجِعُ: او باز می‌گشت.

نکات ترجمه

۱ قَد + فعل ماضی (رَجَعَ) ← ماضی نقلی
۲ قَد + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.
۳ «لا»ی نفی + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← مضارع منفی
۴ كانَ + قَد + فعل ماضی (رَجَعَ) ← ماضی بعید
۵ أَنْ + فعل مضارع (يَرْجِعَ) ← مضارع التزامی
۶ فعل امر از ثلاثی مجرد (تَرْجِعُ) و صیغهٔ مفرد مذکّر مخاطب است.
۷ «لا»ی نهی + فعل مضارع (تَرْجِعُ) ← لا تَرْجِعْ ← نهی
۸ سَ + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← مستقبل
۹ سَوف + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← مستقبل
۱۰ لَن + فعل مضارع (يَرْجِعَ) ← مستقبل منفی
۱۱ لَم + فعل مضارع تغییریافته (يَرْجِعْ) ← ماضی منفی – ماضی نقلی منفی
۱۲ ما + فعل ماضی (رَجَعَ) ← ماضی منفی
۱۳ إنْ + فعل مضارع (تَرْجِعْ) ← مضارع التزامی (فعل شرط) / أَرْجِعْ ← جواب شرط (مضارع اخباری)
۱۴ كانَ + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← ماضی استمراری

الدَّرْسُ الْخامِسُ | التَّمرينُ السّابِعُ

الف) يَسْمَحُ: اجازه می‌دهد	۱ لِيَسْمَحْ: باید اجازه بدهد	۲ لَنْ يَسْمَحَ: اجازه نخواهد داد
ب) تَكْتُمُ: پنهان می‌کنی	۳ اُكْتُمْ: پنهان کن	۴ لا تَكْتُمْ: پنهان نکن
ج) رَفَعَ: برداشت	۵ ما رَفَعَ: برنداشت	۶ قَدْ رَفَعَ: برداشته است
د) ساعَدَ: کمک کرد	۷ يُساعِدُ: کمک می‌کند	۸ ساعِدْ: کمک کن
ه) يَصْنَعُ: می‌سازد	۹ لا يَصْنَعُ: نمی‌سازد	۱۰ لَم يَصْنَعْ: نساخت، نساخته است
و) دَرَّسَ: درس داد	۱۱ يُدَرِّسُ: درس می‌دهد	۱۲ التَّدْريس: درس دادن

نکات ترجمه

۱ لِ + فعل مضارع غایب (يَسْمَحُ) ← لِيَسْمَحْ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی
۲ لَن + فعل مضارع (يَسْمَح) ← مستقبل منفی
۳ فعل امر از «تَكْتُمُ» صیغهٔ مفرد مذکّر مخاطب است.
۴ «لا»ی نهی + فعل مضارع تغییریافته (تَكْتُمْ) ← نهی
۵ ما + فعل ماضی (رَفَعَ) ← ماضی منفی
۶ قَد + فعل ماضی (رَفَعَ) ← ماضی نقلی
۷ فعل مضارع از باب «مُفاعَلَة» و صیغهٔ مفرد مذکّر غایب است.
۸ فعل امر از باب «مُفاعَلَة» و صیغهٔ مفرد مذکّر مخاطب است.
۹ «لا»ی نفی + فعل مضارع (يَصْنَعُ) ← مضارع منفی است.
۱۰ لَم + فعل مضارع تغییریافته (يَصْنَع) ← ماضی منفی – ماضی نقلی منفی
۱۱ فعل مضارع از باب «تَفْعيل» و صیغهٔ مفرد مذکّر غایب است.
۱۲ مصدر باب «تَفْعيل» است.

قسمت ۳
سؤالات امتحانی ترکیبی

الف دی‌ماه ۱۴۰۱ (۲ نمره)

• عَيِّن الصَّحيحَ:

۱ يا أيُّها الْحارِسُ! ..... عَن النَّومِ.

○ ۱) اِمْتَنَعَ ○ ۲) يَمْتَنِعُ ○ ۳) اِمْتَنِعْ

۲ ..... السَّيّاحُ فِي قاعَةِ المَطارِ.

○ ۱) يَحْضُرونَ ○ ۲) يَحْضُرُ ○ ۳) يَحْضُرنَ

• تَرْجِم الأَفعالَ وَ المَصدر:

الف) اِستَغْفَرَ: آمرزش خواست

۳ اِستَغفِروا اللهَ جَميعاً.

۴ لَنْ يَستَغفِرَ المُشرِكُ مِنْ ذَنبِهِ.

۵ اِستِغفارُ النّاسِ مِنَ اللهِ مَحمودٌ.

ب) لَعِبَ: بازی کرد

۶ لاتَلعَبْ تِلميذَةٌ ذَكِيَّةٌ فِي الصَّفِّ.

۷ كانوا قَد لَعِبُوا فِي الْحَديقَةِ.

۸ قَد يَلْعَبُ الطِّفلُ فِي الْغُرفَةِ.

ب شهریورماه ۱۴۰۱ (۲ نمره)

• عَيِّن الصَّحيحَ:

۹ قَدْ ..... الطُّيورُ إلى حِيَلٍ.

○ ۱) يَلْجَأ ○ ۲) تَلْجَأ ○ ۳) يَلْجَؤونَ

۱۰ الزُّمَلاءُ ..... في صالَةِ الامتِحانِ.

○ ۱) حَضَرَ ○ ۲) حَضَرْنَ ○ ۳) حَضَروا

• تَرْجِم الأَفعالَ:

الف) كَتَمَ: پنهان کرد

۱۱ صَديقي العَزيزُ! لا تَكتُمْ الحَقيقةَ.

۱۲ إنَّهُ ما كانَ قَدْ كَتَمَ ما يَعلَمُ.

۱۳ النّاسُ لَنْ يَكْتُموا أسرارَ حَياتِهِم.

ب) تَذَكَّرَ: به یاد آورد

۱۴ الأصدِقاءُ يَتَذَكَّرون الْمُعَلِّمَ.

۱۵ الجَدَّةُ كانَتْ لا تَتَذَكَّرُ وَلَدَها.

۱۶ أيَّتُها الطّالباتُ! تَذَكَّرنَ الواجباتِ.

ج خردادماه ۱۴۰۱ (۲ نمره)

• عَيِّن الصَّحيحَ:

۱۷ ﴿فَهذا يَومُ البَعْثِ وَ لكنَّكُم كُنتُم .....﴾
○ ۱) لايَعْلَمونَ ○ ۲) لاتَعْلَمونَ ○ ۳) لاتَعْلَمْنَ

۱۸ قَد ..... المُؤمِناتُ رَبَّهُنَّ.
○ ۱) ذَكَرَتْ ○ ۲) ذَكَرَ ○ ۳) ذَكَرْنَ

• تَرْجِم الأَفعالَ:

الف) صَنَعَ: ساخت

۱۹ النّجارُ لِيَصْنَعْ مِنضَدةً. ۲۰ يا مُهندِسُ! لاتَصْنَعْ هذا البناءَ. ۲۱ إنَّهُ لَنْ يَصْنَعَ شَيئاً.

ب) شَجَّعَ: تشویق کرد

۲۲ الوالِدانِ لَمْ يُشَجِّعا الطِّفلَ. ۲۳ كانوا قَدْ شَجَّعوا اللّاعِبينَ. ۲۴ التِّلميذاتُ يُشَجِّعْنَ في الصَّفِّ.

د دی‌ماه ۱۴۰۰ (۱/۵ نمره)

• عَيِّن الصَّحيحَ:

۲۵ ..... اللهُ مَنْ لايَرحَمُ النّاسَ.
○ ۱) لايَرحَمَ ○ ۲) لايَرحَمُ ○ ۳) لاتَرحَمُ

۲۶ كُلُّ شَيْءٍ ..... إذا كَثُرَ إلّا الأدَبَ.
○ ۱) يَرخُصُ ○ ۲) يَرخُصُوا ○ ۳) يَرخُصُونَ

• تَرْجِمِ الأفعالَ الَّتي تَحتَها خطّ:

۲۷ ﴿خُلِقَ الْإنسانُ ضَعيفاً﴾ ۲۸ مِنْ فَضلِكُم؛ لا تُجادِلُوا.
۲۹ قَرَّرَ المُزارِعُ التَّخَلُّصَ مِنها. ۳۰ أستَغفِرُ اللهَ.

ه شهریورماه ۱۴۰۰ (۲ نمره)

• عَيِّن الصَّحيحَ:

۳۱ ﴿يا أيُّها النّاسُ ..... رَبَّكُمُ الَّذي خَلَقَكُم﴾
○ ۱) أعبُدْنَ ○ ۲) أعبُدوا ○ ۳) يَعبُدْنَ

۳۲ ..... جَميعُ الطُّلّابِ في صالَةِ الإمتِحاناتِ إلّا جَواداً.
○ ۱) حَضَرَ ○ ۲) حَضَرَتْ ○ ۳) حَضَروا

• تَرْجِم الأَفعالَ:

الف) قَطَعَ: بُرید

۳۳ قُطِعَتْ شَجَرَةٌ. ۳۴ كانا يَقطَعانِ الأشجارَ. ۳۵ أيُّها الفَلّاحُ! لاتَقْطَعْ شَجَرةً.

ب) اِمْتَنَعَ: خودداری کرد

۳۶ إنَّ الحارسَ كانَ قَدِ امْتَنَعَ. ۳۷ لَن نَمْتَنِعَ عَنِ الخُروجِ. ۳۸ لَمْ يَمْتَنِعوا عَنِ الأكلِ.

و خردادماه ۱۴۰۰ (۲ نمره)

● عَيِّن الصَّحيحَ:

۳۹ ..... خَصلَتانِ في مُؤمنٍ: البُخلُ و الكِذبُ.

○ ۱) لايَجْتَمِعُ ○ ۲) لا تَجْتَمِعانِ ○ ۳) لا تَجْتَمِعُ

۴۰ اَللّاعِبونَ الايرانيّونَ ..... مِنَ المُسابَقَةِ مُبتَسِمينَ.

○ ۱) رَجَعوا ○ ۲) رَجَعَ ○ ۳) رَجَعْتُم

● تَرْجِم الأَفعالَ:

الف) قاتَلَ: جنگید

۴۱ لا يُقاتِلُ صَديقَهُ. ۴۲ لَنْ تُقاتِلوا الأَصْدِقاءَ. ۴۳ قاتِلِ الأَعْداءَ.

ب) أَرسَلَ: فرستاد

۴۴ كانَ قَدْ أَرسَلَ الطَّعامَ إليَّ. ۴۵ لا تُرسِلْ هذِهِ الرِّسالَةَ. ۴۶ لَمْ نُرْسِلْهُم إلّا مُبَشِّرينَ.

ز دی‌ماه ۱۳۹۹ (۲ نمره)

● عَيِّن الفعلَ المناسبَ لِلفراغِ:

۴۷ كان الطُّلّابُ ..... إلى كَلامِ أُستاذِهم.

○ ۱) تَسْتَمِعُ ○ ۲) يَسْتَمِعُ ○ ۳) يَسْتَمِعونَ

۴۸ العُلَماءُ ..... عَلَى جَوائِزِ نوبِل في مَجالاتِ الكِيمياءِ.

○ ۱) حَصَلَتْ ○ ۲) حَصَلوا ○ ۳) حَصَلا

● تَرجِم الأفعال الَّتي تَحتَها خطّ:

۴۹ الأبُ لم يُقَبِّلْ بِنتَها فإنْزَعجَ رَسولُ اللهِ.

۵۰ يُحكَى أنَّ مَزارِعاً كانَتْ لَه مزرعةٌ كبيرةٌ و كان يُرَبِّي أَنواعَ الطُّيور.

۵۱ ألفِرد نوبل كانَ قَد شَعَرَ بِخَيْبَةِ الأمَلِ فَقَد بَنى مُؤسَسَةً.

يادداشت:

بخش ۱	بخش۲	بخش ۳	بخش ۴	بخش ۵
۲ نمره	۱۰ نمره	۴ نمره	۱/۷۵ نمره	۲/۲۵ نمره

ترجمه و درک مطلب



۷/۵ نمره
ترجمه جملات
کتاب از عربی
به فارسی



۰/۵ نمره
انتخاب گزینه
درست در
ترجمه جمله



۱ نمره
تکمیل ترجمه ناقص



۱ نمره
درک مطلب یا
صحیح و غلط

بخش ۱	بخش ۲	بخش ۳	بخش ۴	بخش ۵
۲ نمره	۱۰ نمره	۴ نمره	۱/۷۵ نمره	۲/۲۵ نمره

واژگان



بخش ۱	بخش ۲	بخش ۳	بخش ۴	بخش ۵
۲ نمره	۱۰ نمره	۴ نمره	۱/۷۵ نمره	۲/۲۵ نمره

قواعد



بخش ۱	بخش ۲	بخش ۳	بخش ۴	بخش ۵
۲ نمره	۱۰ نمره	۴ نمره	۱/۷۵ نمره	۲/۲۵ نمره

تحلیل صرفی و محل اعرابی

